اسامی بخشی از شرکت کننده گان در کنفرانس تاریخی ولسوالی ساغر ولایت غورات افغانستان .

۱ -	داکتر فضل الله	ولایت لهوگر	جمعیت اسلامی
۲ -	حاجی عبدالکریم		اتحاد اسلامی
۳ -	سید محمد اکبر شاکر	ولایت فاریاب	جمعیت اسلامی
٤ -	ملانقیب	" قندهار	" "
٥ -	عصمت الله	" هلمند	" "
٦ -	داد محمد	" "	" "
۷ -	دوست محمد عزیز	" بادغیس	محاذ ملی اسلامی
۸ -	سید عزیز	ولایت نمروز	اتحاد ملی اسلامی
۹ -	مامور امان الله	ولایت هلمند	حزب اسلامی
۱۰ -	نماینده عبدالخالق	ولایت هلمند	حزب اسلامی
۱۱ -	نماینده عبدالرحمن	ولسوالی گرشک	حزب اسلامی
۱۲ -	احمد سعید	ولایت ارزگان	اتحاد اسلامی
۱۳ -	نماینده اسد الله	ولایت مزاه	جمعیت اسلامی
۱٤ -	؟	ولایت قندهار	محاذ ملی اسلامی
۱٥ -	حاجی اختر محمد بابانی	ولسوالی مرغاب	محاذ ملی اسلامی
۱٦ -	نمایندهٔ یعقوبی	ولایت ارزگان	جمعیت اسلامی
۱۷ -	میرزا عبدالرحمن خان	ولایت غور از	شورای توجک حزب اسلامی

۱۸ - نمایندهٔ قوماندان عمومی مزار شریف - از جمعیت اسلامی

۱۹ - نمایندهٔ قوماندان عمومی چک و ردک "

۲۰ - ملا محمد شاه ولایت ارزه حرکت انقلاب اسلامی .

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام جهاد

بیانگر اندیشه های انقلابی جمعیت اسلامی افغانستان

وری (سنبله) ۱۳۶۶

صف مرصوص وحدت

باتدویر کنفرانس شکوهمند و بی سابقه در ظرف ده سال اخیر ، در منطقه ساغر ولایت غور که از ۱۲ الی ۲۳ جولای ۱۹۸۷ ادامه یافت اتحاد سنگرهای فخر آفرین و کفرستیز مجاهدین وارد مرحله نوینی شده است .

این کنفرانس بنابر دعوت اسمعیل خان امیر عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایات جنوب غرب ، با اشتراک بیش از ۱۲۰۰ قوماندانان ویا نمایندگان قوماندانان از ولایات هرات ، غور ، بادغیس ، فاریاب، فراه ، هلمند ، کندهار ارزگان ، وردک ، لوگروکابل تشکیل شده بود .

نقطه قابل توجه این است که درین گرد هم آیی بی نظیر تنها مجاهدین جمعیت اسلامی افغانستان سهم نداشتند بلکه مجاهدین شش تنظیم اسلامی دیگر هم اشتراک داشتند . درین کنفرانس داکتر فضل الله قوماندان جمعیت درلوگر ملانقیب الله قوماندان جمعیت درکندهار ، سید محمد اکبر (قوماندان جمعیت)

بقیه در ص۳

قسمت سوّم

خاطراتی از سفر

در

اجتماع بزرگ ساغر

Afghan Information Center Monthly Bulletin

No. 77 August 1987

A MEETING OF RESISTANCE Commanders inside Afghanistan

Between June 25 and July 23, 1,200 resistance commanders from 20 provinces held a large meeting in the district of Saghar in Ghor Province. The meeting, which had been arranged by Commander Capt. Ismail Khan of Herat (Jamiat), was also attended by a number of commanders of mujahideen organisations based in Pakistan and Among others, Commander Mullah Naqib (Kandahar), Commander Dr. Fazlullah (Logar), Commander Abdurrahman (Hezb-e-Islami, Hekmatyar), a commander from Nuristan and many Jamiat commanders were present at the meeting.

The purpose of the gathering was to create unity among the mujahideen, consolidate the resistance against various plots of the Russians and the Kabul regime and let the nation decide its future. A resolution was passed. Some of the significant points are:

1. The resistance forces actually present in the battle fronts have the right to determine the future of Afghanistan. No one else is allowed to decide the future destiny of the nation.

2. Coordinated operations against Russian invaders throughout the country have to be improved and intensified.

3. Further unity must be established among the ranks of the mujahideen inside Afghanistan.

4. Better communication and exchange of information between different resistance fronts have to be established, and necessary measures undertaken to eliminate any obstacles in this respect.

5. Necessary measures be taken to solve economic and social problems of the civilians.

6. A few strong resistance bases in sensitive and strategic parts of Afghanistan have to be built, which will serve as headquarters, training centres, etc.

7. A second conference will be held within a period of six months to elect the Supreme Revolutionary Council of the jehad; it will have the task to explore means and ways for the organisation and coordination of warring groups inside Afghanistan and help the oppressed nation of Afghanistan exercise its right of self-determination.

8. The future meeting should be attended by the provincial representatives of all Islamic organisations or their authorised envoys.

بسم الله الرحمن الرحیم

افغانستان قهرمان درطول تاریخ همواره موردتاخت وتازتجاوزگران قرارگرفته است ودرهربرهه اززمان متجاوزینیکه دم ازتسخیرملل وجهان کشائی میزدند در این کشوربه مقاومت های بی نظیری روبروشدندوپس ازنبردهای سنگین باتحمل خسارات جانی ومالی زیادی فرارورا برقرار ترجیح دادندوخطوط درشت وزرینی ازمبارزات ملت مسلمان افغانستان درقلب تاریخ به ثبت رسیده است.

طوریکه شکست های مفتضحانه متجاوزین در آزمنهٔ مختلفه ازاسکندروچنگیزتا انگلیس شاهداین مدعا است . .

دشمنان باتجاوزبراین میهن ازتاکتیک های مختلفی کارمی گرفتند . یکی ازجمله نیرنگ هائیکه همیشه مورد استفاده قرارگرفته است ایجادنفاق درصفوف مردم ما می باشد.

ولی این ملت باافشاء وخنثی نمودن دسایس دشمنان تاآخرین لحظات پیروزی به پیش رفته وراه خودرابسوی قله های شامخ پیروزی بازکرده است.

تاریخ گواهی میدهدکه هرگاه فشارمتجاوزین برمردم مظلوم مازیادشده است مسلمانان این مرزوبوم باتشکیل گردهمائی هاومحافل تاریخی دورهم جمع شده اندودر راه رسیدن به آزادی اسلامی مواضع مشترک اتخاذکرده اند. که این گردهمائی هایکی ازبزرگترین افتخارات اسلامی و ملی مردم براساس آیه (وشاورهم فی الامر) می باشد.

اینبارهم که افغانستان عزیزراروسهای استعمارگر موردتجاوزقراردادندبااین ملت مستضعف ده سال جنگیدند ازتمام حیل ومکرهای سیاسی ونظامی خودکار گرفتند و مصیبت های فراوان برملت ماروا داشتند، ازینروضرورت

کامل برای گردهمائی سرتاسری سران مجاهد افغان بخاطر هماهنگ ساختن صفوف جهادووحدت سرتاسری ملت مسلمان افغانستان بمیان آمد.

براساس این ضرورت اسلامی وتاریخی برادر مجاهد و عالیقدرجکتورن محمداسمعیل امیرعمومی حوزه جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان مبتکراین کارشدند.

وجلسه سرتاسری را با فرستادن نامه های به تمام فرماندهان مجاهدکشوراساس گذاری کردند، بعداز مدتی سفربطرف محل برپائی مجلس شروع شد.

بنده هم که یکی ازهمسفران بودم، خواستم خاطرات فراموش ناشدنی ایکه ازجریان سفردرذهنم بصورت جاودانه نقش بسته است با قلم ناتوان خودبه رشته تحریردرآوردم.

یادم هست که بتاریخهای ۲۴ و۲۵ جوزای ۱۳۶۶ بود که خودرا به این سفربزرگ آماده میکردیم وکم کم با دوستان وبرادران خداحافظی می نمودیم. ومواد ضروری سفر را تدارک می دیدیم. تا اینکه روز ۲۷ جوزای ۱۳۶۶ از طرف امارت عمومی دستورحرکت صادرشد. ازقریه دوغ آبادیعنی جائیکه مرکزیت صحی وفرهنگی امارت درانجا مستقر بود با چندین تن ازبرادران حرکت کردیم. هنوزچندقدمی را بر نداشته بودیم که ناگهان چهار فروندجنگنده روسی درآسمان منطقه ظاهرومنطقه را شدیدا بمباران کردندبعدازانفجارها که ستونهای دودوغباردرآسمان بلندشده بودوپارچه های بمب ها هرطرف پرتاب میگردیدبجزازبرادران همرزم خود به هیچ چیزی نمی اندیشیدیم وفقط بفکراوشان بودیم. زیرا دیگرچیزی درین مناطق وجودنداشت که انسان را بفکر خویش وادارد، چون درطول جنگهای ده ساله مراکز صحی، اقتصادی، زراعتی و... نابودومناطق ازسکنه خالی شده بودند. تنها کاراین بمبها این بودکه خاکهای خانه های

را که چندین مرتبه زیر و روشده بود و با ره بهوا بلند نماید بعدا زیک ساعت توقف منطقه را بطرف قریه سرکوچه که آن هم یکی ازمراکز مجاهدین بود ترک کردیم . بعدا ز رسیدن ما را به صرف طعام ظهر دعوت کردند . هنگام نان خوردن دیدیم که همه نان ها پوپنک زده است و با ید ساعتی در آب گذاشته می شد و بعد خورده می شد . علت آن را آنها مشکلات جهاد ی و مشکلات متعدد دیگری توضیح کردند . آنها (۲۰) روز نان خودرا دریکبار تهیه میکردند .

بعدا زادای نماز بطرف شرق سرک هرات قندها ر حرکت کردیم و دریکی ازقراء مسیرراه (جغرتان) هدف فیر های توپ دشمن قرار گرفتیم وبالاخره به خیریت به سیاوشان که یکی ازدهات بزرگ ولسوالی گذره هرات است رسیدیم .

این وقتی بودکه تقریبا شب صبح شده بود . دو ساعت استراحت کردیم وبعدا زنماز صبح به گشت وگذار در منطقه پرداختیم . وضع اقتصادی مردم نسبتا خوب و زراعت و آبیاری هم مساعد بود . مردم اکثرا شالی می کاشتند . مشکلات اقتصادی مردم این محیط ازدرک عرضه مواد ارتزاقی به بازار مرفوع میشد ، توجه درزمینه احداث مکاتب وتقویه مدارس دینی کم بود . عموما اطفال آموزشهای ابتدائی می دیدند وطبق گفته خودشان بعدا زتکمیل این دوره ابتدائی بکارهای زراعتی مشغول میشدند .

بهرصورت صبح آنروزا مرحرکت بجانب پشتون زرغون که یکی ازولسوالی های بزرگ هرات است داده شد . درمسیر راه ازچندقریهٔ که بدست برادران حزب اسلامی بودگذشتیم و مورداستقبال قرارگرفتیم . ساعت ۱۱/۴۵ به پشتون زرغون رسیدیم بعدا زگذشتن ازقراء وقصبات ضمن اینکه اسمعیل خان ازگروپهای مختلف مجاهدین دیدارمیکردند ،ودرخواست ها و مشکلات مردم ومجاهدین راجواب داده وحل میکردند

به‌کلینک صحی امارت پشتون زرغون رسیدیم، از وضع مریضان مشکلات دوائی، کمبود وسایل وخدمات صحی این کلینک بعد از تأسیس آن توسط مسئول کلینک شرحی نوشته بدست اسمعیل خان داده‌شد. که‌دررفع مشکلات اقدام واز خدمات شان تقدیربعمل آمد. ازکلینک بیرون شدیم وبه‌طرفی در حرکت شدیم که‌آن جاها همه‌برایم نوبودوندیده‌بودم. شب ۱۳۶۶/۳/۳۰/۲۹ به‌پشکال که‌ازقراء پشتون زرغون است رسیدیم. منطقه‌ازسرسبزی چشم گیری برخوردار بود. وضع زراعت، آبیاری وراه‌ها هم بصورت نسبی خوب معلوم می شد. اما فکر میشدکه به‌تعلیم وتربیه‌توجه‌کمتری وجوددارد. ساعت ۱۲/۱۷ ظهرهنگامیکه معطل بودیم تا نان صرف کنیم که‌هشت فروندجنگنده‌روسی درآسمان منطقه‌ظاهروهمنطقه را که‌مردم سکونت داشتندشدیدا بمبارد ن کردنداین منطقه‌پر سکنه‌اگرهدف بمبا ردمان یک جنگنده‌هم قرار میگرفت خیلی تلفات ببارمی آمدچه‌رسدبه‌هشت جنگنده‌روس.

متجاوزین روس طبق عادت توسط هشت جنگنده‌تقریبا ۴۸ بمب را برمنطقه‌ریختندما هم که‌درنزدیک بمباردمان قرارداشتیم بعدازختم بمباردمان به‌کمک مردم محل شتافتیم وبه‌وقایع فراموش نشدنی برخوردیم.

دیدیم که‌مردم از وحشت زیاددرکوچه‌ها وبین زمینها می دویدندوشهدای خودرا به‌پشت کرده‌اند. این صحنهٔ عجیبی بود، حتی گاهی باصدای طیاره‌مردم شهدای خودرا رها کرده‌وبه‌جوی های اطراف پناه می بردند.

دربین روزانسان درهرکوچه‌وهرخانه‌که‌میرفت به‌پیکر های تکه‌وپاره‌شده‌شهداء برمی خورددرکنارجویها، نزدیک زیارت منطقه، درجواردکانها وگوشه‌وکنارباغ ها همه‌وهمه اجسادخونین جوانان، پیران، زنان واطفال به‌اشکال متفاوتی افتاده‌بود. مثلا" یکی درکنارجوئی، چندنفری

دربین مغاره‌ء دربین باغی وچندتن شهیدبی دست وپانزد ـ یک زیارتی افتاده ـ بودند. وبعضی ازمجروحین فریادهای تکبیرسردا ده‌بودند. دربین میان پیکرپاک جوانی رادیدم که‌درکنارسبزه‌زاری به‌شهادت رسیده‌بودوخون وجود اورا لاله‌گون ساخته‌بودوبشکلی معلوم میشدکه‌ازدامن سبزه ها لاله‌ء روئیده‌باشد. درگوشه‌ازخانه‌های قریه‌دیدم‌که‌اطفال پارچه‌پارچه‌شده‌را جمع کردندوجمعا اضافه‌ازده‌طفل را در بین یک پتوانداختندومی خواستندازمنطقه‌خارج شوند تا شهداء رادرمقبره‌آبائی شان دفن نمایند. .

یکی ازبرادران ماازینکه‌کوله‌کمکهای اولیه‌را با خودداشت به‌مردم اطلاع داد. مردم با معلولین ومجروحین ازهرطرف هجوم آوردند. درمیان این جمعیت هرکس بگونه فریادمیکرد. وهرکه‌آرزوداشت اول اوراکمک کنند. یکی میگفت: (که‌ای مسلمانها بدادمن برسید!!. که‌من همین یک پسرکوچک رادارم کمکش کنید! و .... درمیان این آوازهای غم انگیزبازنا له‌دیگری بلندشد: این پیر مرد که‌پایش قطع شده‌سرپرست چندفامیل شهیداست شمارا به خدا زودترکمکش کنید!! وازگوشه‌دیگرازمیان مجروحین بچه‌که پدرومادرش رادرین بمباردازدست داده‌بودفریادمی زد (خدایا کمک) !!. برادران کمک!

این همه‌فریادهارا مردم مجروح ومجروحین سرداده بودندکه‌قربانی اهداف شوم ملحدین روسی شده‌بودند. . وقتی کمک اولیه‌ما به‌این مجروحین خلاص شدفقط پانزده نفرپانسمان شده‌بود. زیرادیگرامکانات صحی دراختیارما نبود.

بعدا به‌کمک مردم آمدیم تادرانتقال شهداء باواوشان همکاری نمائیم. درمسجدی که‌کنارجوی نزدیک دشت قرار داشت چندین شهیداعم ازپیروجوان وطفل وزن رادیدم که

روی لحاف های کهنه وپینه زده شده درکنار هه درا ز کشیده بودند .

ودرکنا رهرشهیدی تنی چندا زبا زماندگا ن شان نشسته بودندوبا دستها وکا لای رنگین بخون عزیزا ن شا ن فریاد می زدند (الله اکبر ! خدا یا به بزرگی خون این شهیدا ن وطن ما را آزا دوحکومت ما را اسلامی گردا ن ! وخدا برتقدیر تو رضا ئیم !!) کمی دورترچندشهیددیگری را دیدم . این کوچه شکل دیگری دا شت . کوچهٔ بودپرا زخون تکه پا ره ها ی گوشت انسا ن وپا رچه ها ی بمب . این ها همه قربا نیا ن مسلک ضد انسا نی کمونیزم شده بودند . وا ین بمب ها را همه آن کسانی برسرا ین مظلومین رسختندکه کمیسیون ها ی به ا صطلاح دفاع ا زحقوق بشررا می سا زند . وشعا رها ی دروغین ا نسان دوستی ومظلوم خوا هی را سرمیدهند . شهدا ی این بمبا ردما ن وحشیا نه (۳۵) تن بودند . هرکسی شهیدخودرا به مقبرهٔ آبائی خودمیبردودفن میکرد . بعدا زعرض تسلیت وغم شریکی با مردم منطقه به قریهٔ بنا م بورا ن رفتیم . بورا ن منطقهٔ بودکه با لای یک تپه وا قع شدبودوتما م پشتون زرغون ا ز آنجا بخوبی دیده میشد . وقتی به منطقه نظرا ندا زی کردیم خیلی وسیع بودوبفکرا فتا دیم که با یدکلینک ها درینجا می زیرا اگردشمن حمله عمومی میکردیک کلینک آنهم در یک بزرگ چیزی نبودوبوضع هما ن قریه بیشتررسیدگی کرده نمی توا نست بنا ء مردم ا زین نا حیه به مشکلات زیا دی موا جه بودند . درین منا طق فقط هما ن کلینکی بودکه ا زطرف امارت تأ سیس شده بود . مردمی که ا زمنطقه به ا ین محل آمده بودند ا زکا ردکتورا ن درمحل وا قعه خیلی را ضی بودندوا زکمکها ی که شده بودقدردا نی میکردندومیگفتندا یکا ش چندین کلینک میدا شتیم .

درین وقت مردم مرا موردسوا ل قرا ردا دندکه چرا کمک



برادر مجاہد جگتور ن محمد اسماعیل امیر عمومی حوزہ جنوب غرب

های داروئی واقتصادی ازخارج به‌مردم ما نمی آید؟ چون میخواستم بجواب بپردازم که‌یکی ازانطرف صدا کرد:
این کمک ها بنام مردم محروم افغانستان است نه‌به‌مردم افغانستان!

یکی دیگرازبین مردم فریادکرد: برادران! ما به امیدیاری خداوایمان خودقیام کردیم نه‌به‌امیدکمک های خارج. ودیگری چنین ادامه‌داد:

تادواها فاسدوتاریخ آن تیرنشودوتاکمک های جهان به‌مراکزجهادی خارج ازکشورازخودواقوام شان زیادنیاید به‌مردم داخل نخواهدرسید.

دربین حال که‌میخواستم رشته‌کلام رابدست بگیرم و وصحبت نمایم دیدم که‌قافله‌مجاهدان بطرف داخل دره‌بنام تگاب بوران درحرکت میباشند. من هم با مردم خداحافظی کردم وبا مجاهدین بداخل دره‌درحرکت شدیم. بعدازطی فاصله‌های زیادی ازفرازونشیب دره‌های پرپیچ به‌منطقه‌هودنگ رسیدیم. شب دراینجا گذشت. فردای آنروزمجاهدین دوقسمت شدند. امیرصاحب باقسمتی ازمجاهدین بخاطر دیداروواررسی ازوضع پایگاه‌حضرت بلال (رض) به‌آن طرف حرکت کردندوما بطرف فرسی درحرکت شدیم این راه‌راهی پر ازبلندی وپستی بود. ارتفاعاتی وجودداشت که‌بعدازگذشت ساعاتی درنقاط بلندآن میرسیدیم وساعتها هم‌لازم‌بود تا پائین شویم. راه‌این مناطق همین راه‌پرخم وپیچ بود که‌آنهم به‌مجردآمدن برف وباران بسته‌میشد. درمسیرراه زراعت خیلی کم بودیعنی گندم به‌مقدارخیلی کم به قسم للمی دردامنه‌کوه‌ها کاشته‌شده‌بودکه‌آنهم بعضی ازاثر باران حاصل داشت وقسمتی درحال خوشک شده‌بود. از داروودرمان خبری نبود. مردمانیکه‌مالداری داشتند

می گفتندگوسفندها همه‌قا چا ق میرودووضع ما لدا ری ما هم بدشده‌ا ست ، مسا یل تعلیمی وا قتصا دی بوضع نا درستی بودمردم موا دغذا ئی کمتردا شتندوپول هم وجودندا شت و با لفرض‌ا گرپولی هم بعدا زفروش موا شی وما ل بدست می آ مدلازم بودمردم منطقه‌برا ی خریدموا دا ولیه‌زندگی چند روزرخت سفرببندند . وا ین سفرها هم درتا بستا ن ا مکا ن پذیربودنه‌درزمستا ن. ا کنون میدا نستیم که‌چرا مردم‌بفکر زرا عت ، تعلیم‌وتربیه‌ما لدا ری درست و . . . شده‌نمی توا نستندزیرا غذا ی یومیه‌خودرا به‌مشکلات فرا وا ن تهیه می کردند . ولی ا ین مردم با وجودا ینهمه‌مشکلات‌ا زروحیه‌عالی قا طعیت وخستگی نا پذیری عجیبی برخوردا ربودند .

خلاصه‌بعدا زگذشتن ا زمنا طق گیلران، مزا رطا لب ، خا رگزنده‌ومسجدسنگی به‌منطقه‌بنا م (خا ک پولک) رسیدیم .خاک پولک منطقه‌بودکه‌فقط چندخیمه‌سیا ه‌درا نجا وجوددا شت وآ ن هم با یدهرکسی که‌عزم رفتن دا شت چندسا عت بطرف با لا ی کوتل با لا میشدتا بهما ن خا نه‌ها میرسید . وقتی ما به‌خا نه ها رسیدیم مردم ا زخیمه‌هایشا ن به‌پیشروی مجا هدین‌بیرون شدندوهرکسی آ رزودا شت چندتن ا زمجا هدا ن بخا نه‌ا وببرونـد وبا لاخره‌چنین هم شددرهرخیمه‌چندتن ا زمجا هدا ن رفتند و ما هم به‌همین ترتیب بیکی ا زخا نه‌پلاسها رفتیم در بین خا نه‌پلاس دریک‌گوشه‌آ ن فرش تکه‌تکه‌وجوددا شت وپیره زنی را درین خا نه‌سیا ه‌دیدیم که‌با ا حترا م خا ص وپذیرا ئی فوق ا لعا ده‌به‌مقا بل ما ن ا یستا ده‌شده‌بود . چون ما نشستیم دیگ بی سرپوش را که‌درکنا ردیگدا ن گذا شته‌بودبعدا زشستن پرا زشیرکردوجوش دا دا زینکه‌پیا له‌ندا شت چندقا شق مختلف را گذا شت تا با قا شق ا زدیگ شیرها را بنوشیم . ا ین پیره‌زن خیلی مهربا ن بودوگا هی میشدا زروی ا خلاص وصمیمیت قطر ه

اشکی ازگوشه های چشم او فرومی غلطید. همه گرم صحبت بودیم که پیره زن با چشمهای پرآب خودگفت:

مدتی میشودکه فرزندم را ازپشت رمه هلیکوپتر های دشمن برده است وگریان اوشدت گرفت. دربین میان یکی از برادران ما بخاطربررسی افکارعمومی دررابطه به مسایل جهادپیره زن را موردخطاب قرارداد وگفت: مادرم! میدانی برمن چه شده؟ من سیزده سال درس خواندم حال مدت چهارسال است که به جهادآمدم و تا کنون از درس و تحصیل محروم ماندم ودرعوض به مشکلات افتادم میدانی از روزیکه این کفارآمدند احوال بدینگونه شدکه من به مشکلات افتادم وپسرتورا دشمن برد. وبه شوخی به پیره زن گفت: مادرم! دعا کن! خداکندظاهرخان پس بیایدتا ما را از این مشکلات برهاند. حال اگراومی بودنه من به مشکلات می افتادم ونه پسرتوگم میشد. پیره زنی که پسرش گم شده بود، با چهره صمیمی با ما صحبت میکردفوراً چهره اش تغییر خوردوبا قیافه اعتراض کننده گفت: (اگرمهمانم نمیبودی آزرده میشدم وبه گفتارخودچنین ادامه داد. تونگو ظاهر خان که اگرهمان ظاهرخان کافرها راتقویه نمی کردو جلو گیری میکردحال نه پدرومادرتوبه غربت تواشک میریختندو ونه پسرمن را هلیکوپتردشمن زنده میبرد. ودرآخر چنین گفت: (خیراست هرمشکلی ببینیم بخاطرخداست.)

بعدازاین سخنان همه ما خوشحال شدیم که مردم همه بیدارشده اندواگرازنعمات مادی وسوادبی بهره اندردرعوض قاطعیت داریدومشکلات اوشان راخسته نمی سازد ازینجا حرکت کردیم وشب را به منطقه بنام عزیزان رسیدیم وبعدا فردا ازمناطق تلک، کل اختیار، پای بیدبه ناوه سفیدان رسیدیم. درناوه سفیدان مردم دوطرفه به افتخار آمدن مجاهدان صف کشیده بودندوبه مجردرسیدن مجاهدان همه

شکبیرگویا ن احترا م تقدیم کردند . وما را به مسجد منطقه که به شکل مدرسه خوبی بودرهنما ئی کردند . نا ن شب را صرف کردیم وبعدبدا خل مسجدرفتیم . دیدیم کتا بها ی زیا د ی ا زتفسیر ، حدیث ، عقا ید ، فقه ، منطق وصرف ونحو دراینجا چیده شده ا ست . گفتندا ین محلی ا ست که طلبه ا زینجا فا ر غ میشوند . بعدا زملاقا ت ا سمعیل خا ن ومجا هدا ن با مولانا ی ا ین مدرسه یعنی مولوی فقیرا حمدوا خذپیشنها دها ی مبنی برکمک برا ی بهبودوا نکشا ف وضع ا ین مدرسه ودا دن پا سخ ها ی مثبت وحل مشکلات شا ن منطقه را بطرف بقندترک کردیم وبعدا زطی کیلوها متروگذشتن چندسا عت به بقندرسیدیم قریه بودوا قع دربین یک دره که را ه آ مدن به ا ین محل ا ز سه طرف ا زسرتپه ها وکوهها ی بلندی با زشده بود . کشت و زرا عت خوب بودمردم ا ین محل مکررا ا زما می پرسیدند مجا هدین ا سمعیل خا ن سا ل گذشته هنگا م عبورا زین منطقه یک فروندهلیکوپتر ویک جنگنده که قصدتعرض را دا شت سر - نگون کردند . آ یا شما سلاح برا ی سقوط دا دن طیارا ت دا رید با شنیدن جوا ب مثبت خوشحا ل شدندوگفتندا گریکبا ر دیگر هم ببینیم که درمنطقه یک طیا ره سرنگون شودتا حا ل هر چه ما را بمبا را ن وراکت با را ن کرده ا ست وبکندا زیا دماخواهد رفت . ا ین منطقه بودکه دشمن مرکز (چغچرا ن) را ا زپا یگا ه شیندندا زفرا زآ ن اکما ل میکردوخط هوا ئی دشمن تقریبا " ا زین منطقه می گذشت . دراینجا مردم ا زیکدیگرنا را ضی بودند . مثلا" یکی که ا زتنظیم حرکت بودمیگفت محا ذ ملی بچه کا کا یم را مسلح کرده وا وآ مده وخا نه ا م را چپا ول کرده ودیگری بگونه دیگرشکا یت میکردخلاصه هرگروهی ا ز دست دیگری شا کی بود . ا میرصا حب همه را با هم آشتی دا دند و تعهدگرفتندکه دیگرنا رضا یتی وجودندا شته با شد . با خودبه فکرا فتا دم که چرا وضع ا زین قرا را ست که مردم ا زهمدیگر

نا راضی اند . به‌نتیجهٔ دیگری بجزاینکه‌با یددرهر ولایت مرکزیت های مشترک با شدوکسانی اسلحه‌توزیع کنندکه با مردم محل شناختی داشته‌باشندنه‌اینکه‌ازیک تنظیم سبه قوماندان باهم مخالف دریک قریه‌کوچک مسلح شود .

مشکلات کم کم حل شدواسپ های خودرا آماده‌حرکت کردیم . هنوزیک ساعت راه‌نه‌پیموده‌بودیم که‌به‌کمین دو فروندهلیکوپتردشمن افتادیم ومنطقه‌بجزتپه‌های هموار پناهگاهی نداشت .

مسئولین ضدهوائی که‌ازعقب قافله‌حرکت می کردند حرکت هلیکوپترها را تعقیب میکردند . قافله‌بشکلی حرکت می کردکه‌برادران ازهمدیگرفاصله‌داشتندوقافله خیلی دورودرازبود . امرفیربالای هلیکوپتراولی صادر شد برادرمسئول با دقت کامل سلاحش را برشانه‌گذاشت و هدف گیری کردوفیرصورت گرفت . درحالیکه‌همه‌موشک انداخته شده‌را تعقیب میکردندموشک بهدف اصابت کردوهلیکوپتری که‌بخاطرنابودی این حرکت خدائی آمده‌بوددرهوا آتش گرفت وبعدازلحظهٔ درمنطقه‌نیک ولسوالی فرسی سرنگون شدوهلیکوپتردومی مجبوربه‌فرارگردید.و مجاهدین بدون آسیب ازشرشان نجات یافتندپیلوت هلیکوپتراولی که‌خود رابه‌پراشوت رهاکرده‌بودازطرف مجاهدین درهواهدف قرار گرفته‌بودوبقتل رسیده‌بود . همه‌مجاهدین تکبیرمیگفتند و گاهی هم فیرهای شادیانه‌میکردنداولین مجاهدیکه به طرف لاشه‌هلیکوپتررفت اسمعیل خان بودوهمهٔ مجاهدین به طرف لاشه‌هلیکوپتردوحرکت بودندکه‌ناگاه‌هشت فروند ۲۵ و هشت فروندهلیکوپترتوپداردرفضای منطقه‌ظاهرومنطقه را بمباران وراکت باران کردند . این وقتی بودکه شام نزدیک شدبودوهمه‌مجاهدین دربالای تپه‌ها درحالیکه‌بوته ها رابرخودپوشیده‌بودندمنتظرپیاده‌کردن قوای کماندو

دشمن بودندکه دشمن ازوحشت بسیا را ینکا ررا نتوانست و با اینهمه آتش با را ن حتی یکی ازبرادران ما هم مجروح نشد ند. با آمدن شب درحالیکه همه مجاهدین جمع شدندسفرما در بین دره ها وکوتلها ادامه یافت شب را تا صبح آمدیم وبالاخره به منطقه بنام تنگی لالا حسینا رسیدیم این تاریخ۴/۷/ ۶۶ بودمجموعا چهار روزدرینجا بخاطرانجام کارهای مقدماتی مجلس ماندیم درینجا بعدا زده روزپیاده روی برای اولین بار دربین این دره ها چنددکانی را دیدیم که ساختمانهای خیلی ابتدائی داشتندهمچنان مردم درینجا سه عراده موتر هشت سلندره بخاطربارکشی داشتنددرین دکانها گندم ومواد غذائی خریدوفروش میشد. دریکی از دکانها چند قرص انالجزیکی هم وجودداشت که خیلی قیمت بود. حاصلات زراعتی وجودنداشت ومردم ازدکانها گندم، پوستهای گاووگوسفند والمونیم های لاشه های طیارات وپلهای استحکامی را خریداری میکردند. موادغذائی درینجا ازطریق شیندنداز هرات آمده بودما روزانه ازطریق بعضی نفرها راپورهای دریافت میکردیم دریک راپورکتبی که ازمیدان هوائی شیندندرسیدتحریرشده بودکه پیلوتهای میدان شیندند اعتصاب کردندوگفتندتا اسمعیل خان به غورات باشد ما به مرکزچغچران بخاطرعملیات پروازنمی کنیم زیرااوبخاطر مجلس قوماندانها امنیت فوق العاده ترتیب داده است. این وحشتی بودکه آنها ازین حرکت سرنوشت سازخدائی داشتند. درهمین دره بودکه وسائل مربوط فرهنگی را بخاطر مجلس آورده بودیم امتحان کردیم مثلا تایپ ها، لودسپیکرها، امپلی فایرها وغیره روز ۱۳۶۶/۴/۱۱ بعداز ظهر ازمنطقه خارج شدیم ومناطق ریگچه، خفته، جواجه و سرجنگل راپشت سرگذاشتیم. زندگی این مردم خیلی فقیرانه بود. اما با آنهمه مشکلات اقتصادی دوست داشتندخدمات

زیادی به مجاهدین بنمایند. فقط یک خط سبزرا درکنار جوئی کهٔ ازچشمه سرکوه آمده بوددیدم ومسائل زراعتی دیگر وجودنداشت وازرمینهای منطقه برای زرع استفاده نمیشد. خلاصه بعدازطی فاصله های زیادشب ۱۴-۱۳۶۶/۴/۱۳ به ولسوالی ساغررسیدیم. روزهای ۱۴، ۱۵، ۱۶ برای ترتیبات مجلس به مشوره ها گذشت وهم پلانهائیکه درآن ولسوالی بایدمورد اجراقرارمی گرفت طرح ومنظورگردید. مثلاً" از قبیل انتخاب نقطه مناسب برای مجلس عمومی، تهیه اثاث وظروف ترتیب وتوزیع موادغذائی وامنیت منطقه، برادران ما بعدازتصمیم گیری ها به گشت وگذارپرداختندودره خواجه آهول را بالاخره برای برپائی مجلس عمومی انتخاب کردند ودربین این دره مغاره بزرگی که تقریبا دوهزارنفر در آن جا میشدوجودداشت ونسبتا به مقابل حملات هوائی مصئون فکر میشد.

درقسمت تهیه اثاث وظروف بایدگفت مردم محل هر کس به اندازه قدرت وتوان فرش وظرف آوردندواظهارخوشی میکردندکه هرکدام به اندازه توانسته بودنددراین مجلس که خواهان وحدت سرتاسری خدمتی کنند. درقسمت امکانات موادغذائی بایدگفت همه موادغذائی ازهرات انتقال داده شده بودیعنی همه به وسیله خروقاترازهمان دره ها وکوتلهای پرپیچ ازهرات به آنجا آورده شده بود. زیرادرین مناطق وضع زراعت خوب نبود. مافکرمیکردیم اگرمواد غذائی کمبودشودازمردم خریداری کنیم حالا خبرشدیم که مردم منتظراندبعدازختم محفل موادٔاضافی راخریداری کنند.

ترتیب توزیع موادغذائی بشکلی بودکه ولسوالی به چهارقسمت شرق، غرب، شمال وجنوب تقسیم شده بود مهمانهای شمال به حوزهٔ شمال ازجنوب به قسمت جنوب وار شرق به شرق وازغرب به غرب جابجا میشد. دراینجا برای توز-

یع درست مواد غذائی یک دیپوی بزرگ تدارک دیده شده بود.
شش صد نفر خدمه مجلس بودند . هرحوزه مواد غذائی خود را براساس تعداد نفرا ز روی لست ا ز دیپوا خذ میکردند و با ز به مراکز فرعی تقسیم میشد . مواد غذائی را گوشت گنا و ، فروت وگاهی نام میوه جات تشکیل میداد .
درقسمت امکانات نظامی وامنیت منطقه باید گفت امنیت به یاری اوتعالی جل مجده بخوبی گرفته شده بود چیزی سلاح های ضدهوائی ازپایگاههای مجاهدین امارت وقسمت دیگرا ز منطقه توسط مجاهدین آندیا رتهیه شده بود در این وقت مسائل تنظیمی وگروهی وجودنداشت . هرکسی که به هر تنظیمی بودوسلاح ضدهوائی داشت برمناطق پیش بینی شده ا زطرف آمریت نظامی فرقه حضرت حمزه (رض) خودرا نصب می کرد . راه های ورودوخروج به منطقه طوری امنیت گرفته شده بودکه هیچ شخص بدون تضمین یک فردسرشناس وا خذ پرزه خروج خارج شده نمی توانست واگرفرضا ا زیک حلقه امنیتی می گذشت ا زطرف موءظفین امنیتی حلقه های دوم وسوم پس وادارمیشدکه به منطقه برگردد .
نقاط حساس دره خواجه آهول هم سنگرکنی شده و قرارگاههای زیادی درنقاط ورودی وخروجی آن ترتیب شده بود واین دره تقریبا دوساعت ا زنا غریعنی جائی که مجالس خصوصی دائرمیشدفاصله داشت . درنقاط متعددداطراف سا غرودره خواجه آهول زیکویک ها ودهشکه ها نصب وموشکها آماده مقابله با حملات هوائی شدکلنیک سیارما هم که در داخل کوله ها بودشکل ثابتی بخودگرفت ودواها وروی میز چیده شد . داخل مغاره فرش وستیژجورشدامپلی فایرولود سپیکرها تنظیم ونصب گردیدندوا ضافه ا ز (۱۵۰) شعار تکه ئی به درودیوارنصب شد . ا زدم دره یعنی ختم ولسوالی تا منطقه مجلس تمام قسمتها ، بالائی وپائینی کوههاروی سنگ

ها ی صا ف وهموا رشعا رها ی ا زپیشگا ما ن نهضت ا سلامی بـه زبا نـها ی دری، پشتو ، ا نگلیسی وروسی نوشته‌شده‌بود ا ین وقتی بودکه مجا هدین ما موٴ فق به‌کشف مخا بر ه دشمن گرد ـ یدندوحرکا ت هوا ئی دشمن را مجا هدا ن مربوط گروپ ها ی مدا فعه‌هوا ئی کنترول دا شتند . مجا هدا ن ا زکنا رو گوشد ا فغا نستا ن بطرف منطقه مجلس سرا زیرشدندهمه با خستگی ۲۰، ۳۰ و ۴۰ شبا نه‌روزپیا ده‌روی وپا ها ی پرآ بله رسیدند ولی قلوب شا ن وسیما ی شا ن خسته به‌نظرمیرسید . وسرا سر عشق بود . عشق بخدا ، به‌آ زا دی وحا کمیت ا سلام .

مجا هدین که‌ا زهر منطقه‌تشریف می آ وردندطبق لوحه ها ی نوشته‌شده‌برسررا ه‌ها ورا هنما ئی برا درا ن ا نتظا ما ت به‌حوزه مربوط خودمیرفتند . تا روز ۲۷ سرطا ن جلسات خصوصی دا یرمیشد . قرا ربوددرروز ۲۷ سرطا ن جلسه‌علنی دا یر شود تما م مجا هدین با قوما ندا نـها وا مرا ی ولایتی شا ن که ا ز بیست ولایت ا فغا نستا ن آ مده‌بودندبطرف دره‌درحرکت شدند. درد‌ا خل دره‌ا نتظا ما ت با ترتیبا ت خا صی آ ما ده‌پذیرا ئی بودندکه‌یکبا رصف مرصوص عا مه‌مجا هدا ن بد‌ا خل دره وا ردو ا نتظا ما ت که‌هریک شا ن بیرقـها ی کوچک سبزی را در دست دا شتندبا تکا ن دا دن بیرقها وفریا دنعره‌ها ی تکبیر ا ز مهما نا ن ا ستقبا ل کردند .

وبا لاخره مهما نا ن به مقصدا صلی رسیدند . هرکسی در جا ی خودنشست ا نا نسرپروگرا م پشت میزخطا به‌قرا رگرفت و محفل با تلاوت آ یا تی چندا زکلام ا لله مجیدآ غا ز و بعد ا ز مقدمه‌پروگرا م وقرا ئت سلامیه مجا هدین هرا ت به‌مجا هد ین نقا ط دیگرا فغا نستا ن ، پرچم ا تحا دکه‌روی آ ن کلمه‌طیبه نوشته‌شده‌بودودرکنا رپا یه‌خودتوسط تا رمحکم بودبه‌تقا ـ ضا ی مجا هدا ن توسط را دمردسنگرنشین جکتورن محمداسمعیل به‌نشا نه‌ا تحا دسرا سری بلندشددرین وقت ا زفرما نده تا

افرادوگروپهای مدافعه‌هوائی با سردادن نعره‌های تکبیر وانداختهای شادیانه‌خوشی عشق وعلاقه‌خودرااظهارکردندو سراسردره‌رانعره‌های تکبیربه‌لرزه‌درآورده‌بود .

امرای ولایتی وقوماندانان احزاب مختلفه‌باالنوبه سخنرانی های کردندوازطرح مجلس به‌نهایت قدردانی یاد کردندوسخنرانی ها بشکل بی سابقه‌ادامه‌یافت وروز دوم هم یعنی روز۱۳۶۶/۴/۲۹ به‌همین ترتیب سخنرانی هاادامه یافت وشکل عجیبی داشت یعنی همه‌مردم ومجاهدین بدون خستگی ازصبح تا به‌شام به‌سخنرانی ها گوش دادندومرتبا " باسردادن نعره‌های تکبیربرجلال وبزرگی محفل می افزودند . درروزاخیرمجلس قطعنامهٔ بیست ماده‌ای صادرگردید.

که‌هرماده‌این قطعنامه‌با نعره‌های تکبیرموردتائید والسلام قرارمی گرفت بعدازختم محفل نتایج مثبت بدست آمد که ازآنجمله‌پایگاه‌هائی درنقاط مختلف تأسیس ، ارتباطات مخابروی برقرار ، تاکتیک های جنگی منظم واختلافات حزبی وگروهی کم شده‌میرود .

مجاهدان میگفتنداگرمصلحت جهادنمی بودنمیخواستیم دیگرازهم جداشویم راستی هریکی درغم دیگری اشک می ریخت . وازاینکه‌ازهم جدا میشدندمتأثربودند .

خلاصه‌روزرفتن ۱۲۰۰ قوماندان و۴۰۰۰ مجاهد کمتر کسی بودکه‌اشک اونریخته‌باشد . قافله‌ها بسته‌شدوهریک به طرف منزل مقصودبه‌آرزوی پیاده‌کردن آرمان کنفرانس راهی دیارخودشدند .

راستی مردم افغانستان دیگرازشعاردادن ها خشته شده‌بودندومی خواستندکه‌درعمل ببینندکه‌اتحادبوجودآید واین راپگانه‌گام واقعی وعملی می دانستندکه‌در طول ده‌سال جهادافغانستان برداشته‌شده‌بودواین راپس از





مجاهدین درحال استماع سخنرانی برادر مجاهدحگنور
محمداسمعیل امیرعمومی حوزه جنوب غرب





آریانا آفسٹ پرنٹرز نیو میاں مارکیٹ، ظہیر آباد چارسدہ روڈ
پشاور

پیروزی هاْی خودمیدا نستندکه با حضور ۱۵۰ هزا رسربا زارتش سرخ روس وبا وجودمشکلات متعدددیگری ا زقبیل تخریبا ت توطئه‌ها و ... موءفق به‌برگزا ری ا ین مجلس شدندوا ین ر ا یکی ا زا ولین موءفقیتها ی کنفرا نس ا رزیا بی میکردند.

فهرست



متن بیانیه جگتورن محمد اسماعیل امیر عمومی حوزه جنوب غرب

الحمد لله حمداً کثیراً طیباً وافراً فیه.

والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و علی آله و اصحابه اجمعین.

اما بعد:

سرداران رشید اسلام! و فرزندان مؤمن و صدیق کشور به خون خفته افغانستان عزیز!.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته! و بعد

افتخار داریم که درین روز فرخنده و درین ایامیکه کشور مظلوم و ملت مؤمن افغانستان مورد تجاوز خودفروختگان و متجاوزین روسی قرار گرفته است ملت باشهامت و مؤمن افغان ما کاروانهای راه محمدی را در قلب افغانستان عزیز به راه انداخته. آرمان شهداء را برآورده ساخته نام نیاکان خویش را با رشانی زنده میگردانند.

سلام به پیشگاه شما رادمردان مؤمن افغان! سلام به پیشگاه مادران و پدران که فرزندان و جگرگوشگان خود را ابراهیم وار در قربانگاه فرستادند سلام به پدران و مادران که بهترین عزیزان خود را بخاطر افغانستان عزیز و بخاطر آزادی اسلام عزیز به زیر پارچه های توپ ها و بمبهای کفر و الحاد پارچه پارچه و تکه کرده اند سلام به پیشگاه خواهران پاک طینت که در نیم شب با نتظار آمدن شوهر خود که در جبهات فرستاده است میباشد اما در نیمه شبها خبری از شهادت آن جوانان که در شب زفاف به سنگرها فرستاده شده اند می آورند

سلام به پیشگاه برادران باشهامت که در دل شبها از ولایات کابل، لوگر، فاریاب، قندهار، هلمند، بادغیس

فرا ه وغورات وسا یرولایات ا فغانستان بخاطر اسلام عزیز بـد خاطر افغانستان عزیز بـه ندای مجاهدین همسنگر خود لبیک کفته و در قلب افغانستان بخاطر آزادی افغانستان و بـه خاطر وحدت سنگر و اتحاد مسلمین گرد آمده اند .

ای بار خدایا بـه شرافت قلب پاک مجاهدین سنگرنشین ما که شب ها در دل کوه ها سنگ سرمه کردند و بـه خاطر وجـد ت مسلمین در اینجا گرد آمده اند .

خدا! یا افغانستان عزیز را آزاد بگردان و روسهای متجاوز از سرزمین ما محو و نابود بگردان، برادران عزیز! امروز روز سرنوشت ساز و روز درخشان تاریخ آینده افغانستان عزیز خواهد بود ما بـه شما فرزندان صدیق افغانستان عزیز اطمینان میدهیم از آنجائیکه از تمام سرزمین ملت مظلوم ما موی سفیدان، مجاهدین باشهامت ، علماء و روحانیون با چشم گریان بخاطر آرمان شهداء بخاطر آزادی افغانستان در این قلب افغانستان جمع شده اند این خود نوید پیروزی ملت موٴـ من افغان خواهد بود .

برادران با شهامت ! ما بدین نتیجه رسیدیم که تمام اتحادهائیکه بیرون از مرزها صورت گرفت با کمال تأسف جامه عمل نپوشید ما متأسفیم که در بیرون از مرزها اتحاد ساخته شد . و بالاخره اتحادیه (حزبی تبدیل گردید و این راستی مایه یأس و نا امیدی ملت مظلوم ماست پس بیائید بخاطر خدا و آزادی افغانستان بیـزهم جمع شویم همه ما میگوئیم اتحاد آیا اتحادیکه با زهم حزب ساخته شود نه ، اتحاد اتحاد سنگر اتحاد آزادی افغانستان اتحاد بیرون ساختن روسها اتحاد حاکمیت قرآن در افغانستان.

بلی برادران عزیز : همسنگران دلاور! اتحاد سنگر میخواهیم ما اتحاد میگوئیم درطول مدتیکه بیش از دو هفته است کنفرانس ادامه دارد هر کدام ما اتحاد گفتیم همه ما درد

ملت را دردآزادی افغانستان ودرداسلام عزیزرا درک کردیم کهآن عدم اتحاداست) وهمیشه دنبال علام میگردیم اما نمی دانیم که علاج ازکدام راه .

من به خدمت شما برادران عزیزباید عرض کنم که در ین راهیکه گام مثبت برداشته شده است وبیش از ۵% درین محفل خودموءفقیم زیرا اکثریت مجاهدین ما از کشوروالایات افغانستان جمع شده اند وهمه به ندای اتحادلبیک گفتند من میخواهم چندکلمه را درین رابطه خدمت شما عرض بکنم مادرسه سدمختلف به مقابل خودقرارداریم درآن زمانیکه ما هرکدام از طرفی سنگری بدینجا آمده باشیم دشمن بی خدا - روس پلید ونوکران شان درین رابطه بی نهایت کارکرده اند (کا ،جی، - بی) حتی حرفهای بنام این وآن بنام گروه وحزب خودخواهی وشهرت طلبی وامثال آن چیزها به نظربرادران ما جلوه داده کهشاید بعضی برادران ما که درمجلس شرکت نکرده اند علت همین چیزها باشدوا گرازان برادرخودبپرسیم که راه نجات افغانستان ازکجا وازکدام راه وبه چه طریقی است ایشان راهی جزاتحاد سراغ ندارندوباید اتحاد بکنند. بناء ما از برادران التجا داریم که دربرابر برگفتار روس جنایتکار (کا ، جی،بی) مبارزه باید کردوبه مقابل همچوحرفها باید گوش نداد. مسئله دوم که خدمت شما عرض میکنم مسایل گروهی وحزبی است شاید بعضی ازبرادران ما فکربکنندکه این مجلس از طرف یکی ازسازمانهای اسلامی است درحالیکه دربیرون ازمرزها رهبرهای گرامی ما نتوانستند اتحادبکنندوباکمال تأسف ائتلاف هم نتوانست جامه عمل بپوشاند. برادران ما که در



گروپهای منظم مجاهدین درحال حرکت بمحل برپائی محفل

احزاب مختلف در بین افغانستان جبهات مقاومت تشکیل داده اند شاید فکر بکنند که مجلس از طرف یک حزب ترتیب داده شده است شاید روی نیرنگ وروی پلان با شد ما به پیشگاه شما ملت افغان وپیشگاه شما برادران رشید اسلام وعده می دهیم و به تمام برادران اعلام می کنیم وخدا را شاهد می آوریم که در این راه جز وحدت مسلمین، آزادی افغانستان وحاکمیت قرآن در افغانستان هیچ منظوری نداریم. مسئله سوم که در اینجا شاید بعضی از قوماندانها ئیکه شرکت نکرده اند شاید باز هم شرکت نکنند این خواهد بود که در بعضی جاها برادران نا آگاه ما که آنها از بینش کامل اسلامی برخوردار نیستند آنها درک سیاسی وانقلابی ندارند آنها مفاد شخصی شان درخطر است شاید فکر بکنند زمانیکه اتحاد بوجود آمد مرزهای حزبی میشکند مرزهای گروهی میشکند، جنگ های قومی ونژادی از بین خواهد رفت مسایل شخصی از بین خواهد رفت آنمقدار مادیاتی که بخاطر بدست داشتن منطقه ومحیط بنام عشر، زکات، کمک وامثالهم بنام یکنفر وبه یک فرد اتکاء خواهد کرد از امکان دارد که آن امتیازات گرفته شود ودر بین مسلمانان به شکل عادلانه توزیع بشود ممکن دارد که عده منافع شخصی خودرا در خطر دیده در این راه حاضر نشوند. من از شما برادران التجا دارم که در برابر این سدی که مانع اتحاد ما خواهد شد مبارزه بکنیم

بناءً برای تحقق یافتن آرمان اتحاد ایجاب میکند که اول برادران ما که درین محفل حضور بهم رسانیدند برادران دلیر وباشهامت ما که در طول مدت یکماه است که در اینجا گرد آمده اند وبرادران دلیر وباشهامت ما که بیش از بیست روز الی پانزده روز در بین کوه ها پیاده روی کرده اند وبه اینجا تشریف آوردند التجا داریم که با راول این برادران که از اینجا تشریف میبرند آرمان اتحاد ووحدت سنگر را به فرد، فرد از

مجاهدین خود به ملت خود بخصوص به علماء و روحانیون و موسفیدان بفهمانند. دربین مردم تبلیغ بکنند که راه آزادی افغانستان از کجا و چه سراغ دارند و هر راهیکه آنها بهتر سراغ داشتند ما درخدمت ایشان حاضریم و اگر نداشتند باید آرمان سنگر آرمان جهاد آرمان افغانستان آرمان شهدا را برخود بقبولانند. لهذا درقدم اول ایجاب میکند که یک هیئت از برادران موی سفید، ازعلماء، ازقوماندانان با تقوا و پرهیزگار ما به صفت هیئت درهرولسوالی ودرهرولایت تعیین بشوند بین احزاب مختلف بین گروههای مختلف بین تمام اقوام بروند آنها را آگاه سازند تا بیاری خداوند درمجلس دوم تمام قوماندانهای سرتاسر افغانستان شرکت بکنند و به نتیجهٔ نهائی خود انشاءالله برسیم موضوع دوم راکه خدمت شما عرض میکنم اینست که برادران ما درطول مدتیکه آنها میروند باید درظرف لااقل سه ماه هر برادری نتیجه و نظری که از نتیجهٔ صحبت های خود دربین ملت وبین مجاهدین میگیرند آنرا به یک مرکزیت اطلاع بدهند تا بتوانیم که نتیجه گیری کرده و هر ابتکاریکه درین راه بخرچ داده شده بود ما بتوانیم که به مجلس بعدی خود انشاءالله درظرف شش ماه آینده اقدام بکنیم و امید است که هرچه زودتر به نتیجهٔ نهائی خود برسیم.

ولی برادران عزیز بعضی اشتباهاتیکه روسها با آن امیدوارند خدمت شما عرض میکنم، اگر برادران ما به اینها پی ببرند من به شما وعده میدهم که روسها حتی یک ماه هم تاب مقاومت را درافغانستان نخواهند داشت. ملت مومن ما با ندای جهاد یک پارچه لبیک گفت جنگ درسراسر افغانستان

دربیش از (۶۵۰) هزار کیلومتر مربع افغانستان شروع گردید با کمال تأسف با گذشت زمان آنچه تصور میرفت که تلفات روس ها روز بروز بیشتر شود نشد برادران ما در اکثر ولایات بدبختانه از جنگ مدتیست دور ماندند و در اکثر ولایات جنگ به شدت ادامه دارد اگر برادران این اشتباه خودرا بگیرند و بدانند که روسها قدرت جنگ درسراسر افغانستان را ندارند. روسها در بیش از یک جبهه الی دو جبهه جنگ کرده نمی توانند اگر برادران ما درسراسر افغانستان جنگ را بشدتی که درابتداء آنها شروع کرده بودند دوام بدهند من به شما وعده میدهم که آن نقاط که مدتیست از جنگ دور است و مایهٔ امید به روسها است این امید روسها هم قطع خواهد شد.

بدبختانه بعضی از ولایات ما درطول یکسال هم یک راپور جنگی ندارند و با کمال تأسف که بعضی از قوماندانهای ما که انتظار آن میرود که قوماندان جنگ وجهاد باشند با کمال تأسف از اثر بیکاری وظیفه‌ء ارباب ووظایف رفع تشنجات ذات ـ البینی مردم دربین قریه‌ها را بدوش دارند که این وظیفه یک قوماندان نیست یک قوماندان باید همیشه درجنگ باشد یک قوماندان باید همیشه پلانهای جنگی داشته باشد درحالیکه می بینیم روسها و مزدوران آنها با عالمی اختلاف و در عالم بسیار بدبختی که قرار دارند درطول یکماه حتی تمام خودفروخته‌ها وسران ملیشه‌ها را درکابل جمع میکنند به آنها پلان جنگ میدهند.

آیا یک مسلمان موء من افغان یک قوماندان دلیر و با شهامت درطول یکماه یک راپور جنگ نداشته باشد جای تأسف نیست؟ آیا برادران ما وقتیکه میشنوند که درقندهار، کابل پکتیا ویا هرات وسایر ولایات سمت شمال جنگ به شدت ادامه دارد و آنها اقدام به جهاد نمی کنند و به شنیدن راپور اکتفاء

می کنندگناه نیست ؟ اگر یک ولایت ما درمدت یک ماه درآتش بسوزد برادران دیگر ما درگوشه آرام باشند جواب آنرا به پیشگاه خداوند چه خواهند داد؟ می شنویم وقتی روسها حمله تهاجمی را بیکی از ولایات شروع می کنند تمام نیروی که دارند در یک گوشه جمع می کنند اگر ما در تمام ولایات همزمان جنگ را شروع کنیم آیا روسها حالت تعرضی را از دست نمی دهند؟ من برای شما وعده میدهم هرزمانیکه روسها در یکی از ولایات حمله می کنند اگر جنگ سرتا سری شروع شود بر علاوه که روسها حالت تهاجمی را از دست میدهند حتی قدرت تدافعی آن ها ضعیف شده و در سنگرها تاب مدافعه هم نخواهند داشت . ولی برادران عزیز ما با کمال تأسف در طول انقلاب می بینیم که بعضی از ولایات عزیز ما ویرانه و حتی به یک بیشه زاری تبدیل شده است و در بعضی ولایات ما می بینیم که اکثر برادرهای ما به اثر جنگ اکثرا شهید شدند تعداد شهداء ما در بعضی ولایات ارقام آن از دهها هزار بیشتر می شوند . در اکثر ولایات ما مهاجرین آن به شکلی است که حتی ولایات تخلیه شده است اما در بعضی ولایات در طول یک ماه ، در طول یک سال حتی در طول چندسال رد پل زنجیر تانک هم دیده نمی شود شاید بعضی از برادران ما بگویند که ولایات یا ولسوالی های ما آزاد است .

ولی برادران عزیز ! من برای شما وعده میدهم که اگر جنگ در اکثر ولایات شما به شدت ادامه داشته باشد شما یقین کامل داشته باشید روسها باندازه که دشمن آن برادران شما که در خط اول قرار دارند و می رزمند هستند به همان اندازه دشمن شما هم می باشند .

اینکه به سراغ شما نمی آیند این دسترنج برادران شما است که فعلا" در جنگ قرار دارند پس اگر خدای نخواسته آن

سربکف گرفتند- دربرابر روس ونوکران روس مردانه ایستادند ، سردادند ما دربرابر الحاد وبردگی سرنه نهادند . این قیام آنها موجب شد توفنده وسرآغازی شدبرای اینهمه حماسه های که مردم مومن ما دردوران هائی گذشته دربرابر وحشیان روس ازخودبه بشریت امروز ارمغان گذاشتند واین نویدرا به چارگوشه جهان دادندکه اینک طاغوت روس دربرابر لشکر ایمان وآزادی درشکست وهزیمت است . .

اینها با خون خودورق های پیروزی ایمان برالحاد را نوشتند ، با خونهای پاک خودنویدپیروزی روشنی را برتاریکی دادندوبانثارجان های شیرین خودورق نوی درتاریخ قطور انسانیت گشودندکه آن پیروزی حق برباطل پیروزی ایمان برالحادوپیروزی آزادگی بربردگی است . .

اینک بعدازده سال جان دادن ومردانه دربرابر دشمن ایستادن بازاین مردان تاریخ، این رزمجویان اسلام ، این آزادگان زمان ابتکارعمل بدست می گیرند- همان گروههای پراگنده ، همان کتله های ازهم دورافتاده ازدره ها ، وادی ها دشت ها وکوه پایه های پرغرورمیهن درپای (جام) در سرزمین جامی، در(ساغر) باهم می نشینند ، راه پیروزی نهائی را می پویند ، دست وحدت واخوت می دهند ، صدای ایمان و آزادی بلندمی کنند ، به ندای یکدیگرگوش می دهندتا چاره دردها حاصل آیدبرزخمها مرحم گذاشته شود ، صفوف جهاد متین وگسترده گرددواین امیدکاذب ازدشمن گرفته شود (نه که گویا مجاهدین افغانستان پراگنده اندوصلاحیت اداره جهاد را ندارند) . .

مردان بزرگ جهاد شامل ۱۲۰۰ فرمانده ازسراسر کشور عزیزده روزتمام (۲۰ سرطان تا اول اسد ۱۳۶۶ ه ش) در ساغر نشستند- صفوف جهادرا دروحدت کامل فکری ورزمی آراستند ، طرحهای شیطانی روس راازحکومت ائتلافی تا آشتی ملی رسوا

سنگرها تضعیف بشوندشما یقین کامل داشته باشیدد رسنگرهای شما آناً بسراغ شما خواهندرسید. ودران وقت شما خواهیدبود که تاب مقاومت هم نخواهیدداشت پس بیائیم که تمام سنگرهای مستحکم که درافغانستان است همه دوشادوش همدیگر برزمیم.

همه برادرانیکه درتمام سنگرها هستنددراثناء هجوم روسها بایدبکمک شان بشتابیم ودوشادوش آنها باشیم.

خط های اول جبهات آنها را مستحکمترنگهداریم عمق ساحه کشوررا همیشه محفوظ ازحملات دشمن نگهداریم واین از همت کسانی خواهدبودکه دورازساحهء جنگ اندآنها بایدبه خط اول جنگ بشتابند. درحالیکه می بینیم که کفروکمونیزم بخاطرپیاده کردن آرمان پلیدکمونیزم ازلیننگراد ، از کیوبا ، ازچکوسلواکیا بداخل افغانستان با اجیران وخود فروخته ها وکمونیستهای افغانستان درکابل عزیز، درپکتیا، درهرات عزیزویاسایرولایات افغانستان حمله می کنند، کفار ازبیرون مرزها بخاطرپیاده کردن آرمان پلیدکفروکمونیزم باکمونیستهای افغانستان یکجا می شوندا گرما بشنویم که کمونیستها درقندهاریادرلوگریادرپکتیاویامزارحمله کرده اندا گرما بی تفاوت بمانیم فردادرپیشگاه خداوملت چه جوابی خواهیم داشت ؟ پس بیائیدکه دوشادوش همدیگر باشیم تااین امیدپلیدروسها رابه یأس وناامیدی تبدیل نمائیم. ولی برادران عزیزاگرما جنگ سرتاسری رادرافغانستان عزیزشروع می کنیم ودشمن رادرهرگوشه وکنارمصروف می سازیم اینجاست که چندحالت بدشمن رخ میدهددشمن پراگنده شده وقدرت تهاجم ندارددشمن سراسیمه گردیده و در (۶۵۰) هزارکیلومترمربع قدرت مقابله نداردشمن تضعیف روحیه می شودخسارات مالی دشمن بیش ازآنچه می شود که فعلاً دارد خسارات مالی وخسارات نظامی دشمن بحد اعلای





خودمیرسدووقت وزمان برای دشمن ضایع گردیده دشمن که خواسته باشدا زمیدان هوائی شیندندویا میدان هوائی قندهار ویا ازپایگاه کابل وبه سمت شمال ویا سمت غرب افغانستان برودویا به قسمت مرکزافغانستان بیایدباید مدت یک ماه راسپری کند. امافعلا" که جنگ درچندساحه محدودمتمرکز شده است دشمن ازپایگاههای ثابت با تلفات کم مالی همیشه به آنجا حمله می بردچنانچه شما ازامواج رادیوها وازاخبار می شنویدکه همیشه درچندولایت دشمن حمله می کندکه خسارات مالی دشمن کمتراست اگردشمن خسارات جانی زیاددارد امادرپهلوی آن خسارات مالی کم دارد. بیائیدکه دشمن راسراسیمه بسازیم دشمن راپراگنده بسازیم دشمن راتضعیف نمائیم وخسارات مالی وجانی دشمن رازیادبگردانیم جنگ را درسرتاسرافغانستان تنظیم وسرتاسری بگردانیم امید دیگری که روسها دارندوبه فکرآن هستندوتصورمی کنندکه چند ماهی درافغانستان بمانندجنگهای قومی، گروهی، پارتی و حزبی است که مایه امیدروسها گردیده است .

ولی برادران عزیزماآگاه باشندخوب بدانندکه تمام جنگهای گروهی، حزبی، قومی، پارتی ونژادی تماما به نفع کفروالحاداست . وفردا این کسانیکه جنگهای حزبی، گروهی، قومی می کنندبه پیشگاه خداوملت جوابی ندارندکسانیکه در این جنگها بخاطرحزب، پارت وگروه کشته میشوندآنها شهید نیستندآنها بدانندکه فردا ملت ازآنها حساب خواهد گرفت .
پس ازتمام برادرها التجا داریم که درهرگوشه وکناریکه جنگ های گروهی، حزبی وقومی وجوددارد هرچه زودترخاموش بسازند. برادران ماکه باین فکرهااند. وبه فکربدست آوردن قدرت وبفکرتقویه گروه، پارت وقوم خوداندآنها بدانندکه طرف تائیدخدا (ج) قرارندارندوملت ازآنها پرسان خواهدکرد.

واین جنگها به نفع ملت ما وبه نفع جهادما نبوده ، و نخواهدبود. مسئله دیگریکه بخدمت برادران عرض میکنم مسئله ارتباطات نامشروع بعضی ازقوماندانها درزیرپرده با کفروالحاداست که عده ازقوماندانهای ما دربرخی جاها بنام مجاهدباوجودیکه ازقدرت نظامی برخورداراست . باخاد،زون ملعون باایران وخودفروخته های آنها ارتباط زیر پرده دارندو درظاهربه پیش ما ازطرف روزمجاهداندوازطرف شب آنها باچهره های مجهول به پیش خادوزون دست دوستی درازمی کنند. برادران مسلمان بنام آنکه آنها مجاهداند اگرما با آنها جنگ کنیم مردم خواهندگفت که جنگ با مجاهدین است اما درباطن خبرندارندکه آنها دست با دولت دارندوازنام مجاهدین استفاده میکنند. یک تعدادآنها پیش برادران ما دربیرون ازمرزها چیزی بدست می آورندیکتعدادآنها به پیش دولت ازدولت چیزی می گیرنددرظاهرمجاهداندودرباطن از دولت اند درطول یکماه ، یکسال یا چندسال حتی دشمن یک گلوله بطرف آنها پرتاب نکرده کشت وزراعت شان بهترگردیده یکنفرشهیدویا زخمی ویا معلول ندارندا سلحه وپول مسلمانان را می گیرندبنام مجاهدچهره شان مجهول است وبرادران ما هم به مقابل شان چیزی نمی گویندوسکوت کردندآن عده از کسانیکه به زیرپرده با دولت کفروالحادا ندروزگذرانی و یا تن پروری می کنندآگاه وبیداربا شندکه چهره کثیف آنهاافشاء شدنی است .

مسئله دیگری که خدمت شما عرض میکنم :

۱- چیزیکه ما یادمیدبه روسها شده این است که یک عده ازبرادران ما یک منطقه ویا یک ساحه محدودرا بخودمنحصرساخته و حکومت ملوک الطوائفی تشکیل نموده اند. مجاهدین مظلومی که دراطراف آنها قراردارندساحه فعالیت شانرا محدودساخته

بخاطر اینکه منطقه بنام اوباشدا جازه فعالیت جنگی را نمی دهند.

۲- امروز ملت باشهامت ما که بیش از دو ملیون شهید دادند و بیش از هفت ملیون مهاجر دارند بهترین برادران ما بهترین خواهران ما بهترین اطفال معصوم ما که بخاطر آزادی و اسلام عزیز سرزمین زیبای خودرا ترک گفته و بدیار هجرت رفته اند روزانه بیش از صدها طفل معصوم ما در دشتهای سوزان پاکستان بخاطر اسلام جان میدهند. کسانیکه بخاطر بدست آوردن عشر، زکات، کمک و امثال آن منطقه را به خود منحصر ساخته اند این عملی است نا مطلوب.

پس برادران ما باید از منطقه پرستی انحصار طلبی بگذرند و بگذارند همراه برادران ما آزاد باشند و آزادانه در هرجا جهاد کنند که تا این انحصار طلبی دور شده و مایه امیدی برای روسها نباشد. مشکل دیگر ما مشکل گروه های کوچک و آوردن سلاحهای انحصاری فردی در داخل افغانستان است در حالیکه تمام سلاحهائیکه بداخل افغانستان از طریق مجاهدین بدست می آید آنها بخاطر جهاد و آزادی افغانستان است.
یک عده گروپهای کوچکی اسلحه بدست می آورند از زمین، باغ از آبرو، شرف فردی خود حمایه میکنند و حتی فرزند بیچاره مادری که اورا بخاطر جهاد اعزام نموده است یک فرد اورا درخدمت خود قرار میدهد. اسلحه که بخاطر آزادی افغانستان داده شده است از او بخاطر حفظ فرد استفاده میشود. از تمام قوماندانها و از تمام امیران باشهامت از تمام علماء و روحانیون از تمام ملت باشهامت استدعا داریم که همچون گروه های مستقل و خودخواه که آنها به نفع خود می چرخند و آن عده کسانیکه اسلحه مسلمانان را به نفع خود استعمال میکنند از آنها جدا جلوگیری بکنند. آنها را درتشکیلات منظم خود یا در پایگاه ها درگروپ های بزرگ و تنظیم شده بیاورند تا از این

خودسری ها ئیکه باعث آزار واذیت ملت ما می شودجلو گیری نمایند. برادران ما دراین آرمان مقدس که دراینجا جمع شدند باید از تجاربیکه از همدیگر گرفتند و از دید و بازدیدها ئیکه کردند متوجه بشوند که اگر جهاد تنظیمی و هدفمند نباشد از این گروه گرائیها از این پارتی ها و از این گروپ ها ی خوردو کوچکی که درهرگوشه و کنار تشکیل میشود نتیجه نداشته با لاخره به نفع دشمن تمام خواهد شد.

بناء برادران ما تمام با جهاد هدفمند باید حرکت بکنند جهاد را بعد سیاسی، نظامی، اقتصادی وفرهنگی درنظر گرفته بیش از این از خودسری کردن وبدست آوردن اسلحه آنهم به نفع جهاد نبودن جدا جلوگیری نمایند لهذا ایجاب میکند که به مرحله اول از ان برادرانی که درطول این مدتها درین رابطه متوجه نشده اند متوجه بشوند خصوصا به ترتیبی که برادران دیگرما تأکید میکردند. آنها کوشش نمایند که انقلاب اصیل اسلامی افغانستان را متکی بخود بسازیم انقلاب متکی به ممالک بیرون و به ممالک مسلمان وهمجوار دوست نسازیم شاید روزی بشود که مناسبات شما یا راه های اکمالاتی شما در بیرون از مرزها قطع بشود آنوقت است که باید انقلاب متکی به شما باشد چنانچه برادرما که دیروز در محفل میگفت :

درمدت دو روز که ما جنگ کردیم مهمات ما خلاص شد دیگر نتوانستیم این بزرگترین گناه است و این بزرگترین اشتباه است. ما جنگ با سوسیالیزم جهانی داریم ما درحالیکه می خواهیم کمپ سوسیالیزم جهان را شکست بدهیم ما اگر ذخیره مهمات دو روزه داشته باشیم آیا گناه نیست تجارب انقلاب نشان میدهد برادران ما که درین رابطه در ابعاد نظامی کمتر متوجه شدند تنها خواستند اسلحه بدست بیاورند امروز روزی میرسد که آن خود به اشتباه خود اعتراف میکند و با نداشتن دو روزه مرمی بالاخره از سنگر عقب نشینی میکند ایجاب میکند که

درجها دهدفمنددرجها دتنظیمی ما که درکمپ سوسیالیزم جهان درنبردهستیم لااقل (۱۰) سال یا بیشترازده سال ذخایر اکمالات مهمات با ذخایرموادغذائی داشته باشیم.

درجها دتنظیمی همه مسائل تنظیم جهاد مدنظر گرفته میشودبدبختانه دراکثرجاها ئیکه بین مجاهدین ما تشویش روحی ایجادشده ملت ما راتقریبا مشوش وروسها راتقریبا امیدوارساخته نبودن کمیته های قضائی وصحی درکشورمی باشد. مجاهدماکه درسنگرقرارمی گیردبخاطرنبودن داکتر، دوا و شفاخانه بهانه براندکترین خونریزی شهیدمیشودشماقوماندانان آگاه ودلیربدانیدکه وجودیک داکتربالاتراز یک کروپ مسلح است.

پس ازشما التجاداریم که با اعزام افرادباسواد به کورسهای صحی با آوردن برادران داکترازبیرون مرزها حتما شفاخانه های سیارثابت بسازیدتااین تشویش رادرسنگرهاازوجودبرادرهای ما دوربسازیم تانشودکه یک برادرمظلوم ما بهاثراندک خونریزی شهیدبشود. مسئله دیکریکه خدمت شما عرض میکنم مسئله نبودن کمیته قضائی است که دراکترجاها به علت نبودن کمیتدهای قضائی اعدام های خودسرانه باعث تشویش برادران ماشده است وحتی دراکثرجاها خونهای ناحق ریخته شده است. بس بخاطرجلوگیری ازریختن خونهای ناحق بخاطرتحقق آرمان شهداوبخاطرتنظیم جهادی وبخاطرتحقق آرمان جهادبایدکه کمیته های قضائی راتنظیم بکنیم ودر تمام ولسوالیها وولایات یک کمیته قضائی راحاکم بگردانیم مسئله مهم دیگرتربیه افرادبخصوص اطفال معصوم وبی گناه که آنها طفل های معصوم امروزومجاهدین فرداینند، میباسد.

آنها را از قرآن و اسلام آگاه بسازید در هر گوشه و کنار مساجد و مدارس دینی اطفال را تربیه بدهید و به علوم دینی آنها را آشنا بسازید تا از سواد و علوم بهره مند شوند که اگر فردا اسلحه می گیرند مجاهد آگاه و با بینش اسلامی آگاه از قرآن و از اسلام عزیز دفاع بکنند. در ابعاد زراعتی و کشاورزی برادران ما کوشش بکنند که امکانات و وسایل زراعتی بدست بیاورند لااقل در مسائل زراعتی اگر آنها نمی توانند تراکتور و امثال چیزها بدست بیاورند لااقل در مناطق آزاد شده در مناطق که در خط دوم و سوم جنگ قرار دارند آنها کوشش بکنند که مواد غذائی زیاد تر کشت بکنند مواد غذائی را ذخیره بکنند تا نشود که خدای نخواسته به اثر خشک سالی و به اثر کدام حادثه دیگری برادران ما مجبور شوند از فقر و گرسنگی سنگرها را ترک بکنند.

ایجاب میکند که در پهلوی فعالیتهای نظامی، سیاسی و اقتصادی کشاورزی و حتی مسائل مالداری نهایت توجه شود و نشود که از فقر و گرسنگی خدای نخواسته سنگرهای ما ضعیف بگردد. برادران با شهامت ما قوماندانان دلیر ما بدانند که تنها وظیفهٔ آنها گرفتن تفنگ و جنگ به مقابل روسها نیست بلکه تنظیم جنگ هدفمند بودن جهاد رفع مشکلات و نیازمندی های مردم تربیه سالم اولاد مردم. علم دانش فرهنگ اصیل اسلام را در جامعه پیاده کردن.

از اهداف اصلی مجاهدین و قوماندانان ماست. برادران ما که در طول هشت سال نداستند راه های اکمالاتی را خراب کردند آنها در اشتباه اند هرچه زودتر خود را از این گناه نجات

داده راه های اکمالاتی را که راه های عام المنفعه است ، تعمیر بکنند تا باعث استفاده مسلمانان ورواه اکمالات مسلمان ها در مرکز افغانستان ساخته بشود. از قوماندانان دلیرو با شهامت التجا داریم کوشش بکنند هرچه زودتر جنگهای قومی ، نژادی، گروهی را خاتمه داده و برادران ما اشتباهاتیکه در طول زمان کرده بودند به رفع اشتباهات خود بکوشند و از همچو جنگ ها جدا خودداری کرده باید بدانند که در پیروزی انقلاب تنها یک بعد نظامی جنک نمی توانند کدام نسان را بسر حدنهائی برسانند بلکه باید تمام ابعاد جهاد را مدنظر بگیرند تنها بیک اسلحه اکتفا نکنند یک قوماندان با شهامت ما باید تمام ابعاد را در نظر گرفته چیزهائیکه باعث کندی جهاد شده از پراگنده بودن مجاهدان از گروپهای خوردوکوچک که آنها به نظر شخصی خودکار کردند از آنها جدا جلوگیری بکنند. الی محفل بعدی برادران با شهامت ما که آنها از قدرت نظامی بیشتر برخوردار اند کوشش کنند تا پایگاههای نظامی که آنها بتوانند که روسها را در بیرون از شهرها بکشانند حتما ترتیب بدهند پایگاه های نظامی حتما جای آموزش نظامی ذخیره اکمالات و در عین زمان خانهٔ برای مسلمانهاست در دفاع از ان پایگاهها البته تشکیل گروپهای سیار ثابت و متحرک که بتوانند بکمک شان برسند لازمست .

وهمچنین مجاهدین که از قوهٔ نظامی ضعیف تر اند به کمک آنها بشتابند لذا ایجاب میکند الی زمانیکه محفل بعدی دائر میشود برادران ما درین رابطه کوشش بکنند که لا اقل ما بتوانیم درتمام ولایات افغانستان اگر در هر ولایت جهار و



ازراست به‌چپ جکتورن محمداسمعیل، داکترفضل الله، ملا نقیب الله آخندزاده .

ساختندروی اتحاد احزاب اسلامی درخارج ازکشورتأکیدنمو ـ دندودرمجموع این حقیقت را تبارزدادندکه فرماندهان جهاد نیروی حفاظت واداره کشوررادارندوهرمانعی راکه در راه این هدف پاک دربرابرشان قرارگیرد، می توانندبدورسازند این نویدها برقلب های شکسته هرهموطن، مرهم گذاشت وهمه را به تدبروقدرت رهبری ورهنمونی فرماندهان راستین جهاد خصوصا درروزهای دشواری امیدوارساخت که درخلال پیروزی نهائی بردشمن پیشرودا ریم . .

ملت مؤمن ما ، مجاهدومهاجر، معیوب ویتیم ماآواره وبی خانمان ماهمه به این آرزواند، همانگونه که سربازی و جان نثاری مجاهدین میهن درب پیروزی را برروی ما باز می کند، صمیمانه امیدوارندتاتدبروهمدستی آنان درراه آزا ـ دی نهائی میهن، درراه برقراری عدل الهی درکشورودر راه بازگشت پرغروربه خانه وکاشانه شان مشعل راه آنان باشد . .

روسهای وحشی وهمدستان پلیدآنها همیشه درین خیال خام بوده اندکه افغانستان اسلامی را با نابودسازی چهره های رهبری وفرزندان اصیل مؤمن آن می توانندبه شبکه شیطانی خودنگهدارند . افتخاربه فرماندهان جهادی ماکه باتدبر و نشست تاریخی شان درساغراین فکرپلیدرا درمغزهای شیطانی روسها ودشمنان میهن، بدورساختند، آنهاکه ازایمان وشرف وآزادی خودمردانه دفاع کردند، می توانندسرنوشت کشور خویش را بدست گیرندوآنرا عاقلانه ومدبرانه رهبری نمایند .

کمال افتخاراست که درین رساله جریان مباحثات وتصامیم تاریخی اجتماعی بزرگ فرماندهان جهادی وطن اسلامی ما درساغردربرابر دیدمجاهدومهاجروطن وهمه علاقمندان پیروزی جهادافغانستان قرارمی گیرد . .

یا پنج پایگاه ساخته نمیشود لااقل درظرف (۶) ماه یک الی دوپایگاه بخصوص درمرکز افغانستان ساخته شود .

چون برادران ما راجع به تمام ابعاد جهاد صحبت کردند من به بار آخر خواستم چند نظر کوتاه و مختصر خدمت شما عرض بکنم بارثانی تشریف آوری تمام برادران همسنگر، تمام فرزندان رشید اسلام تمام سپاهیان اصیل اسلان را که بخاطر اسلام درین محفل تشریف آوردند خیرمقدم گفته واین را به فال نیک مبدل میکنم واز درگاه رب الجلیل التجا دارم که به شرافت قلب پاک ونیت پاک شما افغانستان عزیز آزاد ، وحدت سنگر حفظ مجاهدین با یک صف فشرده به مقابل کفر و الحاد قرار بگیرند وبا برادرانیکه تشریف آوردند با آنها خدا حافظی کرده واز درگاه رب العزت میخواهم که خداوند به قدم های نیک شما وقتیکه شما به سنگرهای خود تشریف می برید درتمام ساحات افغانستان وحدت را بوجود بیاورد از جنگهای قومی، گروهی، نژادی، پارتی تماما جلوگیری بکنید و سلام مرا به خدمت تمام همسنگران درسرتاسر افغانستان برسانید وآنها را به اتحاد وحدت دعوت بکنید وبه آنها اطمینان بدهیم که انشاء الله افغانستان عزیز آزاد میگردد روسها شکست خوردند پلان آنها بهدر رفته واین آخرین دقایق است که آنها خاص چشم امید شان به نفاقها وعدم وحدت جنگ های گروهی و منطقه ئی بوده که بیاری خداوند اگر شما بتوانیم درظرف مدتی اینها را از بین ببریم من به شما وعده میدهم که آناً روسها از سرزمین شما بیرون خواهند رفت . وبه آن برادرها بفهمانید که این اتحاد بخاطر وحدت سنگر است این بخاطر ایجاد حزب دیگری نمی باشد ونخواهد بود بلکه بخاطر اینست که مسلمانان پهلوی همدیگر جمع بشوند ارتباطات مخابره ئی داشته باشند

جها دتنظیمی داشته باشندفشار به بیرون ازمرزها وارد بکنند تا برادران ما که درطول (۸) سال نتوانستند تحاد بکنند آنها را مجبور بسازند که وحدت بکنند. رهبری واحدی قائد واحدی تعیین بشود وقوماندهٔ واحدی در سرتاسرافغانستان حاکم بگردد تا ازطریق وحدت فشار سیاسی ازبیرون مرزها و فشار نظامی ازداخل روسها مجبور شوند از سرزمین ما بیرون بروند. درخاتمه دعا میکنم که :

ای بارخدایا ملت مؤمن ما که برضای تو میرزمند خدایا فتح ونصرت نصیب شان بگردان خداوندا (!). بشرفات قلب پاک سنگردارا نیکه درین دل کوهها دست دعا بدرگاه تو بلند کردند روسها را ازسرزمین ما بیرون بگردان پرچم توحید در سرزمین ما برافراشته بگردان برادران ما که درزندانهاهستند نجات شان بده خدایا صفوف مجاهدین ما را متحد و متحد تر بگردان خداوندا ما را توفیق بده که درراه توجهاد کنیم خداوندا ما گناهکاریم ما را بگناه ما نگیر خدایا : ميلطف خود بسرافت حضرت حبیب خود سرزمین ما را آزاد بگردان وجمهوری اسلامی را درسرزمین ما حاکم بگردان وخداوندا ما را توفیق بده که رضای تورا کسب بکنیم وبالاخره به پیشگاه تودرروز باز پرس ما شرمنده و شرمسار نباشیم.

ومن الله التوفیق





برا درمجا هدداکتر فضل الله ا میرولایتی جمعیت اسلامی درلوگر



ازراست به‌چپ داکترفضل الله، ملا نقیب الله آخند زاده ،
الحاج معلم عبدالکریم



متن بیانیه داکتر فضل الله امیر ولایتی لوگر

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمدلله والصلوة والسلام علی سید المرسلین وعلی آله واصحابه اجمعین .

اعوذبالله من الشیطن الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم . (ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص) .

قبل از همه سپاس خدای یکتا وتوانا را که برادران مجاهد ما را توفیق بخشید که درقلب افغانستان روی مسائل مشکلات جهادگردهم آئی را تشکیل میدهند بخصوص قبل از همه از مجاهد عالیقدر امیرحوزه جنوب غرب جکتورن محمد اسمعیل ما سپاس گذاری میکنیم به نسبتی که این محفل با شکوه را تهیه و ترتیب کردند وزحمت زیادی به خرج دادند .

برادران نهایت محترم قوماندانان دلیر سنگر های جهاد وتمام حضار وعلماء وموسفیدان معزز قبل از همه راجع به ادای فریضه مقدس جهاد چند لحظه صحبت میکنم : جهادی را که پیغمبرخدا گفت (جهاد ادامه دارد تا روزقیامت) با آمدن روس ها درافغانستان مسلمین که ازدیرزمان اورا ترک داده بودند بار دیگر قیام میکنند وآنها بازدست به سلاح می برند ودرمعرکه های قتال می شتابند . ضرورت برجهاد وقتال مسلحانه در اسلام زمانی آغاز میگردد که دعوت بسوی عبادت خدا از طرف

زورگویان ومستبدین عصروزمان. ممانعت شده وسدی مقابل دعوت برحق الهی ایجادشود. ازهمینجاست که ضرورت به قتال مسلحانه درمیان می آید. پیامبرگرامی اسلام مردم را بخاطر عبادت خدا دعوت میکرد. مردم را به خداپرستی دعوت میکرد چون اساس خلقت انسان درروی زمین به خاطر عبادت خداست چون خدا (ج) درقرآن کریم گفت :

(وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون) من خلق نکردم جن و انس را مگربخاطر عبادت. اینجاست که ضرورت بدعوت میشود به خاطر عبادت خدا بخاطر اینکه خدا را پرستش کنند. بخاطر اینکه به غیر از خدا به کسی سربه سجده ننهد. پیامبر گرامی اسلام ازاساس دعوت آن طی سیزده سال بدون اینکه به مقاتله وکارزار مسلحانه کشیده شود. دعوتش به پیش میرود. عده ٔ از مستشرقین غربی وکمونیستها درقسمت قبولی وقبول کردن مکتب اسلام نظر غلط ارائه میدارند. گویا اسلام جبرا برمردم تحمیل شده و این قسم نظرات آنها دا رندحالانکه پیامبرگرامی اسلام طی سیزده سال دعوت شان را بصورت مواضع حسنه ومکارم اخلاقی به پیش بردند. وهیچ ضرورت به قتال مسلحانه نیست. زمانی آنها دست به شمشیر بردند. که کفار متجاوز از هرطرف برحریم مقدس اسلام تجاوز کردند وجلو دعوت را گرفتند (الم ترالی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم واقیموا الصلوة واتوا الزکوة فلما کتب علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون الناس کخشیة الله و اشدخشیه .

درین قسمت ها است زمانیکه مسلمین تقاضای جهاد مسلحانه میکردند. خداوند آنها را امرکرد که نماز بخوانید وزکاة بدهید فعلا" از جهاد مسلحانه وقت وزمان آن فرانرسیده وقتی

زمان آن فرا رسیدبدا وا مرجها دصا درشد. (والله یعلم وانتم لا تعلمون) خدا وندعالم ودانا ست وما بهخلقت اوپی نمی بریم طوریکهدرآغاز فیام مسلحانه مردم افغانستان اکثر مردم بهاین تفکربودندکه مشت ودرفش نمی شودا ین روسها ی متجاوزیکهزنجیرها ی تانک را بهمملکت ما سرا زیرکردند صد ها طیاره اینجا آمدوذرات خانه‌ها ی سلاح شرق دراینجا انتقال داده‌شدوتمام بلاک وارسا درمقابل ما می جنگدواوکمانند و ها ی اجیرپولندوکیوبا وویتنام را بکارگرفتندبا زهم چون مردم بهاین فکربودندکه‌نمی شودمقابل آن قیام شودهمان بودکه‌خدا وندبه‌برکت این آیه‌مبارکه‌گفت شما نمی دانید جها درا آغاز کنیدومن پیروزی را به‌شما نصیب می گردانم‌چون طوریکه‌خدا گفت (ولاتهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم موءمنین).

شما عذرنکنیدشما سست نشویدشما غمگین نشویدشما برتر هستیدشما عالی هستیدکامیاب هستیدبشرطیکه‌شما موءمنان باشیدبه‌این اساس است که‌مردم مسلمان ما دست به قیام زدندخداوندهمان چیزی را که‌به‌آنها وعده‌کرده‌بودکه‌شما سست نشویدوشما غمگین نشویدشما کامیاب هستیدوهمچنان که خدا برای شما گفت :

شما بسیار چیزها را فکرنمی کنیدلیکن درآن رمزپیروزی وموءفقیت شما خواهدبودازاینکه‌مردم دست بقیام زدندثمره اینست که‌ده‌سال میشودتمام بلاک ورشوبدمقابل ملت مستضعف ما می جنگدوهنوزهم ملت ما پا برجاست وآنها می بینندکه‌رسوائی، خجلت وشرمساری سیاسی ونظامی در سطح دنیا برای شان واردشده‌وآن طلسم شکست ناپذیری شان دیگر به‌شکست ودیگرهیاهوی شان درسطح جهان باقی نماند . بد این اساس به‌اساس آیه‌مبارکه‌که‌خداوندبرای ما وسما گفت که شما بسیارچیزها را شرفکرمیکنیدودرحقیقت رمزپیروزی سمـ

خوا هدبودما وشما ده‌سال شاهدپیروزی های سنگرهای جهاد هستیم روسها تاب وتوان این را ندارندواین تحمل را ندارند که این را برای یک لحظه هم درمطبوعات دنیا ویا دروسائل ارتباط جمعی دنیا بشنوندکه ملت بیچاره کوچک ومستضعف (۲۰) ملیونی به‌مقابل مملکت متجاوزووحشی که‌تمام ذرات خانه‌شرق همه‌تا غرب ازاودروحشت است قیام کرده (پیروزی های نصیب شده است) هلیکوپترآنرا سقوط داده، تانکهای اورا منهدم کرده عساکرآنرا کشتندایسیرگرفتنداین را درسطح دنیا حاضرنیستندکه بخودبقبولانند. اما ملت مسلمان ما در صحنه عمل ثابت کردکه مدت ده‌سال است باپایمردی خود به مبارزه وجهادشان ادامه میدهندحالاما وشما درپهلوی این موضوع به‌یک چیزدیگری بایدپی ببریم آن چیزیکه‌ضامن تداوم جهادیا انقلاب ما است چیزیکه‌کشتی جهادما وشما را به ساحل موءفقیت نزدیک میکندآن عبارت ازوحدت مسلمین‌است. وحدت سنگردار ان جهاداست من بعدبایدیک قسمت اعظم وقت خودرا فرماندهان ومسئولین جهادبه‌قسمت اتحادسنگرهای جهادوقف کنیم بخاطراینکه‌ازنظربعدنظامی امروزفرد، فرد مجاهدین مسلمان افغانستان کاملا" رشدیافته‌نمو کردند ازهرحیث میتوانندقوای روس راضربه‌بزنندتمام مجاهدین مواضع جنگی خوبی پیداکردندازهرنقطه‌میتوانندبروسها ضربه‌واردکنند.

اما چیزیکه‌به‌قوت ما وشما استحکام بیشترمیدهد و خداوندگفت شرط پیروزی شماست ودوست میدارد کسانیکه‌آنها دررا ه‌خدا فشرده‌ترمثل(بنیان مرصوص) جهادکنند (ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله‌صفا کانهم بنیان مرصوص).

واین وعده‌خداوندتحقق پیداکندپیروزی شامل حال

ما وشما میشودورحمت خدا شا مل حا ل ما وشما میشودوبه موءفقیت نزدیکترمی شویم غنی ترمی شویم وبه‌ا ین ا سا س من بعد در پهلوی برنا مه‌ها ئیکه‌فرما ندها ن جها دما دا رندورهرقسمت درقسمت توحیدسنگرها ی جها دگروه‌ها ی مختلف آ نها با یدوقت خودرا وقف کنندوا زتما م برا درا ن که‌درهرقسمت قرا ردا رند ا زآ نها دعوت به‌عمل آ یدچون بیگا نه‌خلائیکه‌درجها دومبا رزه ما وشما موجودا ست بیگا نه‌نقص که‌دشمنا ن ودوستا ن بدآ ن ا نگشت ا نتقا دگرفته‌می توا نندد‌شمنا ن ا لبته‌ا زنظرطعن ودوستا ن ا لبته‌ا زنظرتأ سف ا نگشت ا نتقا دآ نها به‌همین نقطه‌ا ست که خلای دربین ما وشما موجودا ست یکپا رچگی وحدت سنگر ها ی جها دنیست که‌من بعدا نشاء ا لله‌تعا لی به‌کمک تما م فرمانده ها ن آ گا ه‌وسلحشورا نشاء ا للها ین آ رما ن دیرینه‌مسلما نها ی ا فغا نستا ن تأ مین خوا هدشد‌روسها کوشش می کنندا زهمین نقطه‌که‌دربین مردم خلق شده‌ا زهمین سورا خی، نفا قیکه د ر بین مردم ا یجا دشده‌ا ین را توسعه‌بدهندتا با شدمسلمین ا فغا نستا ن یکی درپی دیگرقوت ها ی خودرا خودبه‌خود خنثی کنندودردا خل سنگرعنا صرشبه‌مجا هدین بنا م مجا هد تربیه کنندکه‌آ نها یکدیگرخودرا ا زبین ببرندا ین کلانترین ضرر ا ست وکلانترین نقص ا ست . چشم ا میدملیونها ملیون ا نسان روی زمین ا نتظا رآ زا دی را دا رندا نتظا رپیروزی ما و شما را دا رندودرقدم دوم درهم شکستن ودرهم ریختن کا خ ا ستبدا د روسی را دا رندآ نها ا نتظا رشا ن به‌هدرنرودروسها ا زپلانها ی مختلف کا رمی گیرند . ا زتوطئه‌ها ی مختلف درظرف ده سا ل کا رگرفتندروسها با درگیری که‌درتما م جبها ت شرق وغرب خود

دارنددرهرطرفیکه آنها درپیمانهای نظامی شامل اندمتحد-
ین خودرا کمک کردندآنها اکربتوانندازرادزورتصمیم فیصله
کن گرفته واما آنها که دیگرنمی توانندپالیسی خودرا تغییر
دهندشروع کردندبه قتل کردن ملت بیچاره ما ازطریق تداوم
جنگهای فرسایشی تاجنگ را به مدت طولانی ادامه بدهند تا
ملت ما خسته شوندتا رخنه های ایجادکنندتا توطئه های آنهادر
بین ملت کارکنداما خداوندکه با ما وشما باشدکه درجهاد کبر
مان موفق باشیم خداوندبرای ما وشما میگوید(ان کید
الشیطان کان ضعیفا) تمام کیدهای شیطانی که صرفا باطل
است نابودشدنی است وهیچ اثرهم ندارد بایدبه یک نقطه
متوجه بشویم که باز هم روسها دست ازما وشما برنداشته آنها به
این نتیجه رسیده بودندکه این روباها وشغالهای که سبب
کشاندن شان به افغانستان شدندفکرمی کردندکه دربین جنگل
وگوشه وکنارکوهسارما فقط همین روباها وشغالها هستند بی
خبرازاینکه شیران ودلیرمردان دربین جا نهفته وخفته بودند
امروزدیگربیدارشدندامروزدیگرهرروباوشغال راخواهند
دریدودیگرهرا ستعمارگری به این طرف به نظرتجاوزنگاه نخوا-
هدکرد. روسها فعلا" بخاطرهضم کردن ملت بیچاره ما وشما از
همان پلانهائیکه انگلیس ها سالهای قبل بخاطرگرفتن ممالک
شرق وممالک امریکای لاتین بکاربردندکارگرفته سیاست
معروف انگلیسها که شما درتاریخ مطالعه نمودیدبکارمیبردند
سیاست پیشروی وسیاست عقب نشینی بودروسها درهرجائیکه
بتوانندپیش میروندبعدازآنکه نتوانستندچندقدمی عقب می



روندبه این معنی آنها درپلان وبرنامه خودا ولا دوقدم پیش میروندوقتیکه مقاومت احساس کردندوقتیکه مردم در مقابل شان ایستادشدبخاطرفریب اذهان عامه دنیا وبخاطرفریب رزمندگان سنگرآنها ازدوقدم خودیکقدم پس می آیندمردم به این تصورمیشوندکه روسها عقب نشینی کردندحالانکه یک عقب نشینی تاکتیکی است فقط یک قدم پس آمدندحالانکه آنها یک قدم پیش رفته اندبازآغازمیکنندبعدازمدتی انتظار دو قدم پیش میروندبازکه غوغا وسروصدا ها ومقاومت درهرگوشه بلند شدیک قدم عقب ترمی آیندهمین است که مردم احساس می نمایندکه روسها نمی خواهندملت ها ی دنیا را بخاک وخون بکشنددرحقیقت آنها دوقدم را گرفته اندهمین سلسله را تداوم میدهندوبه پیش میروندبه همین اساس پلان آشتی ملی را که فعلا" آنها روی کارگرفته اندیکی ازهمان پلان ها ی شیطانی شان است که به مردم طوری وانمودمی سازندکه به مردم صلح اگرآنها صلح میکنندشما شب وروزرا ازطریق وسایل ارتباط جمعی می شنویدیا خودبا لمشاهده درنقاط مختلف افغانستان

جنایات روسها را می بینیدکه صدها انسان مسلمان افغانستان شب وروزبخاک وخون کشانیده میشودشما آن اطفال معصوم دو ماهه وسه ماهه را که به پستان مادربه زیرخروارها خاک مستور میشوندبه چشم سرمشاهده می کنیدشب وروزآنها را می بینیدکه مردم ما را به زیرخاک می گردانند درزمین وآسمان افغانستان ازحیث سوقیات اداره قواء زمینی وهوائی هیچ تغییرنیا ـ مده است آنها درپلان خوددروغ هستندوکاذب هستندیک مثال

تا ریخی دیگربدهم روسها کەدرا بتداء ا نقلاب بلشویکی را در روسیەبرا ه ا ندا ختندبخا طرا ینکەآ نها درمقا بل ترا رها ا قدام کنندا زقوتها ی مسلما ن آ سیا ی میا نەکا رگرفتند. چون ملت ها ی مظلوم کسیا ی میا نەزیرا ستعما رتزا رها سا لها جا ن کند- ندوبا آ نها سخت بەمبا رزەبودندوزیرا ستبدا دآ نها قرا ردا شتە وآ نها هم بخا طرآ زا دی با آ نها همنوا شدندوا نقلاب ۱۹۱۷ بە پیروزی رسیدوروسها برا ی ا ینها وعدەدا دندآ زا دی وا ستقلا ل آ سیا ی میا نەرا بەرسمیت بشنا سندودرسا ل ۱۹۱۷ ا علان میکند



ما بدین وشئونات اسلامی وشئونات مذهبی تمام ملل وعقاید احترام داریم اما زمانیکه درسال ۱۹۲۱ پایه اقتدار شان تحکیم پیدا میکند آنها شروع میکنند به هضم کردن ملل آسیای میانه که پیشتر عرض نمودم که درطی دودهه اول آسیای میانه را بصورت کل هضم کردند اینها وقتیکه به اینکار خود شروع کردند بعداز آن گپی نبود گفتند که دین باید از میان برداشته شود چون دین افیون ملتها است و عقیده بخدا ونعوذبالله یک خرافات است دین را چیز نو گفتند. آنها دیگر به مذهب احترام نداشتند روسها وکمونیستها در تمام دنیا پالیسی شان همین است زمانیکه آنها نتوانستند زراه زورکار بگیرند زمانیکه آنها نتوانستند که منطق زوررا بالای مردم تحمیل کنند وزمانیکه آنها به ناکامی وسقوط مواجه بودند وهرتوطئه ومکری کار می گیرند دوقدم پیش ویک قدم پس به هرطریق می روند مثل سرطان به هرجهت حرکت میکنند وخودرا به هدف نزدیک میکنند روسها این پالیسی معروف شان است وهمچنان وفا وبقای درمکتب کمونیزم موجود نیست. این مکتب انسان کش که دربین خودابتداء درروسیه صدها انسان را بخاطر رهبریت کشت دیگر نمی توانند درافغانستان مکتب انسان سازوبرنامه ساز اسلام را شکست بدهد مردم امروز روی برنامه اسلام وقرآن دیگراستوار نشسته اند وقیام کرده اند وآن خلا ها وچیزها ئیکه عبارت از نفاق وتفرقه وجنگهای باصطلاح غیرهماهنگ پراگنده بودآن جنگ ها را توحید کردند وبسیج کردند همه ملت همه سنگرها بسیج خواهد شد وانشاء الله دربن راه تا آخرین رمق حیات ما کوشش های خودرا بکار میبریم چون اگرتمام زندگی

خودزا وقف این راه کنیم ارزش آنرا دارد تأمین جهاد مستلزم اتحاد است بدون اتحاد ما نمی توانیم جهاد کنیم بدون اتحاد ما نمی توانیم سرنوشت ملت واحد افغانستان را تعیین کنیم بدون اتحاد نمی توانیم ما به قناعت عموم مردم افغانستان بپردازیم بدون تفاهم نمی شود با مردم افغانستان کنار بیائیم وچون امرخدا همین است که دیگر ما و شما متحد باشیم وما وشما از تفرقه وتشتت پرهیز کنیم یکتعداد از برادران از ولایت کابل وردک پکتیا درضمن همین گروپ ما شامل هستند من از طرف آنها که یکی قوماندان صاحب ملک الدین خان است این تعهد را من برای شما میدهم آنها گفتند که به نمایندگی از ما شما یادآوری کنید چون ما همه در یک راه ویک گروپ قرار داریم به نمایندگی از همه برادرانیکه دراین سمت آمده اند ما این تعهد را می سپاریم در محضر این برادرها ئیکه ابتکار را نموده اند این برادرهای که از فاریاب قندهار هلمند بادغیسات واز هرطرف اینجا تشریف آورده اند ما در هر جائیکه باشیم درپهلوی قتال مسلحانه بخاطر این آرمان وبخاطر برآوردن آرمان شهداء بخاطر توحید صفوف یک قسمت بیشتر وقت خودرا وقف خواهیم کرد کوشش خواهیم کرد واز این آرمان خود به هیچ رقمی وبه هیچ ترتیبی دست برنخواهیم داشت واین کوشش ما وشما اگر در داخل سبب استحکام سنگر های جهادی شود یک مشت پولادین از ما وشما ساخته میشود که به دهان زورگویان ومستکبران زمان کوبیده شود باید سبب آزادی همه جهان شود وبالای حلقه های سیاسی ورهبرهای مرکزیت جهاد در خارج از مرزها فشار بیاوریم تا احزاب اسلامی هم بشود بکمک ومعاونت خداوند متعال متحد بشوند وبیشتر از این کدام صحبتی ندارم صرف یک قسمت دیگر از سخنان من که درطی این دوروز باقیمانده ما از روسها یک چیز دیگری هم میخواهیم

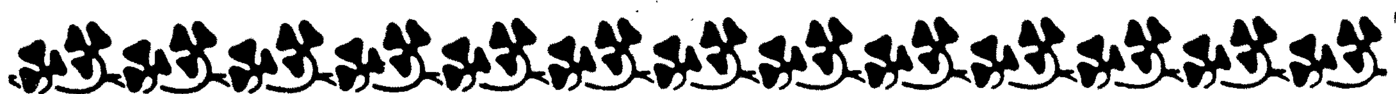
که سالها پیش از ما گرفته بودند درسالهای ۱۲۶۳ آنها پنجده را
که بنام مرغاب یاد میشود از مملکت ما جدا کرده اند در پهلوی
این مطالبات که در قطعنامه بصورت جهادی خودما صادر مــی
کنیم ما این چیزها را پیشنهاد می کنیم که ما خواهان آن قسمت
از سرزمین افغانستان هستیم حالا که با ما جنگ را آغاز کردند
درحالیکه ما درخواب بودیم ما را از خواب بیدار کرده حالا ما را
به جهاد کشاندند به او جهاد که تا قیامت دوام دارد در این عبادت
فعلاً شامل شده ایم این عبارت را طوریکه در جنگ انگلیس ها
آغاز کرده بودیم با زترک کردیم دیگر ترک نخواهیم کرد علت
شکست مسلمین در این بوده که زمانی سرآنها کفرفشار آورده
آنها برای مدتی جهاد را آغاز کردند همینکه به سرحد پیروزی
نزدیک شدند آنها را فریب دادند استعمارگرها از آنها دســت
برداشتند مثلاً درجنگ استقلال که تل، مبرانشاه وانــــه را
مسلمین افغانستان با قتال مسلحانه به آرمان حکومــــت
اسلامی گرفتند انگلیسها به این نقطه متوجه میشوند که اگر این
جهاد و قتال دوام پیدا میکند نه تنها نیم قاره هند به آزادی
میرسند بلکه خود انگلستان هم آرام نخواهد ماند و به مقابــــل
استعمار ما قیام خواهند کردند به این اساس آنها پلانهــــای
سیاسی خویش را پیش کردند مردم ما را به معاهده سیاسی کشا ـ
ندند به اساس این چون روسها فعلاً آغاز این جنگ انــد .
بالای مملکت ما تجاوز کردند و ما جهاد را آغاز کردیم وانشاالله
تا سرحد پیروزی تمام مسلمین جهان و تا سرحد برانوندر آوردن
مستکبرین جهاد را ادامه خواهیم داد واین حرف نیست واین
عمل است . بخاطر این عمل است که خداوند برما وشما امر کرده
که شما جهاد کنید و پیغمبر خداوند فرمود تا روز قیامت دوام بدهید

اگر ما موءمنین هستیم آن حدیث پیامبر را درنظر بگیریم واز کشتن نه ترسیم شهادت آرمان قلبی هر موءمن و هر مسلمان است پیغمبر خدا گفته که هر کس از دل آرزوهای شهادت نکند اگر کشته شد به مرگ منافقت مرده است این چیزهائیکه ما درپیش داریم پس ما هیچ چیز را آرزو نداریم. این راه ماست اگر روسها بیرون میشوند از افغانستان اگر بیرون نمی شوند از افغانستان اختیار به آنها است . جهاد ما دوام دارد. و این حرف نیست مسلمانهای افغانستان تمام از شرق تا غرب از آمو تا هلمند تا بدخشان و از آمو تا بلوچستان و از ننگرهار تا هرات این تعهد را کردند که جهاد را ادامه بدهند بخاطر اینکه خود ما از خون دو ملیون انسان مسلمان که در افغانستان کشته شدند بهتر نیست فعلاً" مملکت ما را سنگرها گرفته پایه های جهاد گرفته فقط سلاح است مجاهد است سنگر است پشت هر سنگی مجاهد زیر هر درختی مجاهد و در هر دره مجاهد و در فراز هر کوه مجاهد است دیگر ما فعلاً" بسیج شده ایم از ارتش شش ملیونی روس چه از تمام ارتشهای دنیا نمی ترسیم جنگ ما جنگ مقدس است از نظر تاکتیکی هم یک جنگ کوریلائی است دیگر هیچ قدرت در دنیا نمی توانند ما را از پا درآورد ما دیگر امروز هراس نداریم و امروز (۲) ملیون شهید داریم و (۵) ملیون مهاجر داریم کاروان شهداء هم ادامه دارد مهاجرت هم ادامه دارد. می توانند تمام ملت به سنگر تبدیل شود دیگر ما فقط میتوانیم به ذرات خانه تمام دنیا چلنج بدهیم دیگر هیچ تشویش نیست ما همه داروندار زندگی مادی دنیا را از بین بردیم ما فقط اگر از نظر مادی نقصان کردیم از نظر معنویت بکمال رشد رسیدیم از نظر معنویت تکامل کردیم ما چیزیکه سالیان سال از دست داده بودیم معنویت بود که اساس پیروزی ما و شما را همین ایدئولوژی و معنویت تشکیل میدهد آنرا امروز باز

یافتیم واین را به هیچ قیمتی ازدست نمی دهیم وهرجا که خاک باشدخاک خدای ماست. هرجا که خاک باشدخاک ماست. ما خون خودرا منحیث سنگرا ولی جهاددرهمینجا خواهیم ریخت دیگرحب وطن خودرا داریم دراین وطن ازهمینجا دفاع می کنیم وازهمینجا به خاطرآزادی تمام سرزمینهای دنیا لوای توحیدرا ما وشما درحرکت خواهیم آورد. انشاءالله تعالی به شرط اینکه متحدویک پارچه بوده باشیم. درخاتمه ازخداوند تبارک وتعالی میخواهیم که ما را هدایت نصیب بفرماید. ازسخن زدن وسخنرانی عمل بیشترنصیب کند. از خداوند تعالی میخواهیم که ما علم بردارا ن مبارزه ومجاهدت درسرا سرزمین باشیم.

ازخداوندمتعال این آرزورا داریم که ما را توفیق این را بدهدطوریکه درنیمه قرن (۱۹) علم بردارنهضت آزادی جهان بودیم بازهم سبب آزادی جهان باشیم ولوای پرمجد وتوحیدرا اول برکوهپایه های غرورآفرین وحماسه آفرین افغانستان وبعددرتمام سرزمین دنیا به اهتزازدرآوریم

اللهم اهدنا فی من هدیت وعافنا فیمن عافیت وتولنا فیمن تولیت وبارک لنا فیمل عطیت تبارکت ربنا وتعالیت نستغفرک ربی ونتوب الیک.











پیاوړی مجاهد مولوی نقیب الله
آخوندزاده امیر ولایتی قندهار



بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

اما بعد: برادران قهرمان وسنگرداران اسلام ، سهمانان عزیزوبا شهامت وسامعین محترم محفل امروزی وگردهم آئی ارزنده وباشکوه خویش را با تلاوت آیات چندازقرآن پاک واین کلام الهام بخش خداوندی ومشعل تابنده هدایت بشرا ئست براد رمجاهدقاری صاحب صلاح الدین خان آغازمی کنیم. .

اکنون درفش توحیدلوای حریت وآزادمنشی و سنبل عزت وشرف،سرافرازی توسط رادمردسنگرنشین،محترم جگتورن محمداسمعیل امیرعمومی حوزه جنوب غرب بهاهتزاردرمی آید.

وطن میندیش ازدشمن که تاشیدخدا با تست حقیقت با تو حق با توشکوه کبریا با تست .

الحمدلله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة و السلام علی سیدنا محمدوعلی آله واصحابه اجمعین. .

اعوذبالله من الشیطن الرجیم فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیات الدنیا بالاخره ومن یقاتل فی سبیل الله فیقتل اویغلب فسوف نوئته اجرا عظیما .

بجاست یادآوری این روزتاریخی روزحماسه روز اتحاد وهماهنگی روزشوراوروزخدائی که دورنمایش تبلور آزادی از بندزنجیر اسارت استعمارسرخ رادرذهن مجسم می سازداین گردهم آئی شکوهمندتاریخی که درطول جهاددهساله نظیر نداشته وتصویرواقعی وتصویررنگینی ازمیثاق وپیمان شما شیردلان کفرستیزبه شمارمیرودا ین شورای تجمع قوماندانان واین حرکت حرکتی است که برموازین قرآن ازطرف برادران دلسوزبجهادوانقلاب اسلامی طرح وبه عمل پیاده شد. این حر-

بسم الله الرحمن الرحیم

متن بیانیه مولوی نقیب الله امیر ولایتی قندهار

اللهم صل علی سیدنا محمدوعلی آله واصحابه سیدنا و بارک وسلم اما بعد:

محترموامیرانوسرتیروغازیانومجاهدینواوعلمأ کرامو:

ترتولودمخه تاسوته السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته وایم. وروسته محترموورونومسلمانانودسنگرغازیانوالله (ج) به دغه آیات کریمه کښی مورږ وتاسی اوتولومسلمانانوته داسی ارشادکوی چی وائی:

(اعوذبالله من الشیطن الرجیم)

(والعصر ان الانسان لفی خسر) انسان چی دی په تاوان کی دی (الا الذین آمنوا) مگرندی په تاوان کښی هغه کسان چه ایمان ئی راوری دی (وعملوا الصالحات) چه دوی عمل د نیکی کوی. هغه کسان په تاوان کی دی ورونوچه دالله (ج) د لفظ پرځای هورا لفظ به خوله کی واخیسته ژوندا وآخرت ئی په تاوان کی شو.

ورونوموښږ وتاسی اوتول مسلمانان دی خدای (ج) د داسی ابتلاء څخه وساتی چه هورا لفظ به وایوودالله (ج) نوم د خولی څخه لری کواودنبی (ص) پرځای به لینن دځان رهبروگرځوو، ورونو! الله (ج) دی مورږ وتاسی دداسی حالاتو څخه وساتی چی نبی علیه السلام به دځان رهبرنه گرځووا ولینن کافربه دځان رهبربولو ودقرآن مجیدپرځای باندی دکمونیستی یو کوچنی کتاب په لاس کی راواخلوداسی کسان ورونو په تاوان کی دی ا ودمکی معظمی پرځای ماسکودځان لپاره قبله بولی ورونو

دا کمبختـه ا وبی عقلان دی مونږ ا وتـول مسلما نا ن دی خدا ی(ج)
دداسی بی عقلـی څخه وسا تـی. محتـرمووروـنو ! دروسا نـوتـو پ ،
طیا ره ا وتـا نکا ن ا ونـورشیا ن نا کا مه دی ا وس دبـل کا رڅخه کا ر
ا خلـی . زما ورونـومونږ ا وتـا سی با یدبـیدا ره سوا فغا نا ن با ید
بـیدا ره شی. ا فغا نا ن با یدبـیده نشی هغه وخت دخوب تـیرسوچه
تـا سی ا ومونـر دغفلـت بـه خوب ویده وۍ .
چه نـه موخلـق پـیژنـدی نـه موپـرچم ا وس تـولـه ا فغا نـا ن دتـوـ
لـه ولایا تـوبا یدبـیدا ره ا وسی ویش سی بـیده نشی که موخوب کا وه
دا سی حا ل بـه را بـا نـدی را ځی لـکه چه روسا نـودبخا را ، سره عمـل
وکری ۶۰ ملـیونـه خلـک دبخا را دجنا یتـکا را نـوپـه لاس ورغلـه آ یـــا
تـا سوخوش یا ست چه دروسا نـوپـه لاس ورسی (۵۰) ملـیونـه خلـــک
چیـن پـه یـوه ورځ مره کرل(۱۰) ملـیونـه خلـک یـی را وستـل د بـل
چا پـه لاس یـی ورکرل آ یا تـا سی پـه دا سی حا ل خوش یا ست ا وتـولـه
قرآ ن مجیدونـه یـی را تـول کرل ا للـه پا ک (ج) مونږ ا وتـا سی دی
دداسی حا لـه ، څخه وسا تـی نـن روسا نـوچه ، چم پـسی را خستـی دی
مونږ ا وتـا سوتـه دا دیـر دحمدځا ی دی چی نـن مونږ ا وتـا سی دلـتـه د
بـیلـوبـیلـوولایتـوڅخه را تـول شوی یـو. ا ودا سلام دپـیشرفت دپاره
مونږ ا وتـا سی خبری کووخدا ی پا ک(ج) پـه خپـل پا ک کلام کـــی
فرما یلـی دی (ا ن ا لـموۍ منون ا خوه) مسلـما نا ن پـه تحقیــق
سره ورونـه دی دا سی نـه وا ئی چه پـښتـووا ئی یا فا رسی ا ونـه دا سی
وا ئی چی دا دهرا ت دی ا ویا دغوردی ا ویا دقندها ردی ا و د
پکتـیا دی یا دلـوگریا دپا کستـان دی مونږ ا وتـا سی با یدتـولــه د
ځا ن دپا ره دا للـه جل جلا لـه قرآ ن رهبروگرځوونـن ورونـودروسا
نـوتـوپ ا وطیا ره چه پـه ا فغا نستـا ن کی پـه کا را چول کیږی تـو ل
نا کا م دی زه دداسی یـوکا ر دا قت چه پـه قرآ ن شریف کی یـــا د

شوی دی تا سوتەبەئی بیا ن کرم هغددا دی چەپخوا یهود ا و
نصا را جنک سرەکول یهودیا ن دیرستری شول بعدلەهغەنصا ر ا
سرەکښینستل فکرئی وکری چەدا یهودیا ن پرمونږ غستلی د ی
ا ووئی ویل چەمونږ یوچل پری وکروبعدلەهغەیومشروویــــــل
ونیسی زما پزەا وغوږونەرا پری کری ما پەدوی کی یلەکری زە
بەپەدوکی خپل خّا ی ونیسم دوی بەسرەبی ا تفا قەکرم تفرقە
پکی ا یجا دکرم بعدلەهغەبەتا سی خپل ا نتقا م ورځەدوا خلی
هغوی دخپل مشرپزەا وغوږونەورپری کرل ا ویهودوتەئی ور ـ
وا ستوی پەیهودوکی ئی خّا ی ونیوی لکەنن چەپەمونږا وتا سو
کی پدروطن ملی جبهەئی جورەکری دەتا سی ودی تەښەمتوجە
شی ورونودا ووچی ددی پزەا وغوږنەئی ورپری کرل. ا وولار ی
ا وپەیهودوکی ئی خّا ی ونیوی پەمروردزما ن سرەئی خّا ن پە
پیری وپیژندی پەدوی با ندی.
هلتەپەیوغا رنوتلی ووپس لەهغەیوځوورځی یوخـــو
دا نی کوچنی کتا بونەئی جورکرل ا وخلک ئی را غوښتل
هغوی تەئی وویل خدا ی تعا لی جل جلا لەغوښتی یم آ سمان تە
خیژم با یددا کوچنی کتا ب یوسری تەورکرشی ا وورتەئی وویل
زما پس تەخلیفەئی دا چەخپل کورتەولاری ا ودخپل کورځـــە
را ونوزی بیا ئی بل سری را وغوښتی ورتەئی وویل دا کتا ب
زەتا تەدرکوم تا زما نەوررستەخلیفتوب کوی ا وتەبەزمـــا
خلیفەئی)
چەلس نفرەئی را غوښتل ا ودکوچنی کوچنی کتا بونە ئی
ورتەورکرل دتیزا بودیگ کی ئی خّا ن وا چا وځا ن ئی ورک کر.
لس ورځی بعدهریوجلا جلا نا ستو یوەبەئی ویل زەخلیفە یم
ا وبل ئی ویل خلیفەیم دوی ئی پا رەپا رەکرل بی ا تفا قـــە
ئی کرل تفرقی تفرقی ئی کرل. نن مونږا وتا سی تەهمدغسی

خلک را ا ستولی دی دا سلام پەجا مەکی مونږا وتا سوتەوا ئی چه زەمسلما ن یم مکر هغەپەعین حا ل کی دمسلما نا نوترمینځ تفرقی را وا چولی. چەدا هرا تی دی دا غوری دی. دمجا هدینو ا ومسلما نا نوترمینځ تفرقی را ولی مونږا وتا سی تول ا فغانا ن با یدبیدا رەشوهغەوچەدوی تولەبی ا تفا قەکرل، تفرقی ئی پەمینځ کښی وا چولی ا وپەخپل مینځ کی پەجنګ ودربدل، دتولەعمرا نتقا م ئی ځنی وا خیستی. .

ورونودروسا نوا ول آ رزودا دی چەپەا فغا نستا ن کی بی‌اتفاقی را ولی تا سوفکروکری نورمحمد (ترەکی) چەدخلق ا وپرچم مشر وء ، ا وببرک ددوی بچی دپرچم مشروء . دوا رەددوبچیا ن و ، دوی ئی دوەحزبونەکری وء ، دا دروسا نوا ول مرا م دی چه د ا فغا نستا ن خلک بی ا تفا قەکری. ا فغا نا ن با یدپەدی پوه شی چەجها دفرض عین دی خدا ی(ج) پەقرآ ن مجیدکی مونږا وتا سوتەوا ئی (وا عتصموا بحبل للەجمیعا ولاتفرقوا) یعنی تاسی لاس ونیسی پەهغەرسی سرەدخدا ی(ج) تولەمسلما نا ن ا ومەسره بی ا تفا قدکیږی. مونږا وتا سی ولی بی ا تفا قەیو ، نەسره را تولیږوخدا ی (ج) وا ئی وشا ورهم فی ا لامر) یعنی تا سی یوەبلەسرەئی مشورەکوی پەیوکا رکی، پەدا (۹) کا لەمونږا و تا سوکلەشورا کریدەدولایا توپەسطحەنن دا شکرا لحمدا للـــه د حمدا وشکرځا ی دی چەمونږا وتا سی دلتەسرەیوځا ی شوی یو را جمع شوی یوبا یدنولەدا سی کا روکروچەنن تا سوفکروکری چه روسا ن پەکومەجا مەکی مونږتەرا روا ن دی. توپ ، طیا رەنا کا مەدی ملی روغەجورەمونږا وتا سوتەبیا نوی دا یودا م د ی مونږا وتا سومسلما نوتەروس پەبخا را کی دغسی عمل وکر . یوه طا ئفەئی دبلی طا ئفی سرەوا چول چەمونږا سلام دآ زا دوو هغه طا ئفەچەتولوکلکولەبینەیوورمونږا وتا سی ا للەپا ک دد ی

حا لەخەوسا تی.

ورونوهغەخلک چەتول ئی چەبی اتفاقەکرل پەداسی شکل سرەئی مرەکرل چەپرسروبا ندی ئی وختل اوسرەفوج بد هغوی پەدیرەبی رحمی لەمینځەیوورل نن روسان زمونږ او ستا سوسرەځەچمونەشروع کریدی ځونەبی اتفاقی ئی پەمونږ اوتا سوکی اچولی دی چەمونږ اوتاسی نەسرەپریږدی حتی دوی خپل بچیان نەپریږدی مونږ اوتاسی بایدهوښیا رسوروسداسی عمل لری ورونوبا یدتول افغانان وجها دتەودریږوروسان داسی خوی لری چەترسپی نرخوی لاهم بددی حتی کەخور ری سپی وتاتەوغاپی اوتەورتەکښینی اول ځل تاتەخوری او روسا نوتەچی کښینی ورونووا للەقسم دی کەموپریږدی ورونو وخت دنا ستی ندی بایدتولەوجها دتەآمادەشویوخلقی چەپه مونږاوتا سوکی لە ۱۰۰۰ کسەپیداشو (۹۹۹) کسەمسلمانان و ءیوەخلقی پرمونږباندی کودتاوکرەداځتاثیروءمونږاوتاسی تول پەخوب ویدەوءبایدافغانان لەدی نەپس خوب ونکری نن ورونوبایدتول ولاړیا تونەمونږاوتاسووجها دتەآمادەشو لاس سرەورکروتاسی فکروکری چەیوسری اوبوتەورواچوی هغه اوبەوری کەیولس کسان لاس سرەورکری انشاءاللەالرحمن هغوی بەاوبەگیرنکری ورونومونږاوتاسوبایدیودبل کمکشو مونږاوتاسودالله (ج) قرآن کریم دځان دپارەرهبروگرځوو خدای پاک (ج) مونږاوتاسوتەپەقرآن عظیم الشأن کی وائی (تعاونوا علی البروالتقوی ولاتعاونوا علی الاثم والعدوان)

تاسی پەنیکی کمک سرەکوی پەبدی باندی مەسرەکوی تردی جها ددیربی حدەوتردی شەعبادتچیری دی خدای تعالی (ج) وائی (وما خلقت الجن والانس الالیعبدون) ماندی پید کری پریان اوانسانان مگرپیداکری می دی دپارەدعبادت.



جلسه فرماندهان جهادی قبل از شروع محفل تاریخی ساعر

وروئو! تردی جها دبه‌لورعبا دت چیری وی مونږا وتاسو
پا بددا جها دتدا دا مه‌ورکړو.
والله‌قرآن شریف دا فغانستان ښخه‌مسا فرکیږی لکه‌نن
چی مونږا وتا سوخلک وا ره‌مسا فرشول اونوروحکومتونوتـــه
لکه‌ایران عربستان اوپاکستان ته‌مسا فران شول که چیری
مونږا وتا سوجها دپریږدوا وخپل جها دته‌دا مه‌ورنکړوا واستقا-
مت ونکړوا وپرخپل تکالیفوبا ندی صبرونه‌کړودا سی به‌قرآن
زمونږا وتاسوځخه‌مسا فرکیږی لکه‌چه‌زمونږا وتا سوخلکــــن
مسافرشوی دی.
آیا تاسی دا دګان له‌پاردخوشه‌وی چه‌قرآن شریـــف د
افغانستان ښخه‌مسا فرشي؟ وروئو! مونږا وتاسوبایدپردغــو
تکالیفوبا ندی صبروکړوخدای(ج) وائی(ان الله‌مع الصابر-
ین) یعنی زه‌ملګری دصابرانویم. یوچاچه‌ماته‌صبروکړی زه
دهغه‌ملګری یم مونږا وتاسی تول‌ه‌دالله(ج) بندګان یوا سلام
چی دی په‌شان دیوه‌رسی دی تول‌ه‌مسلمانان په‌دی رسی سره

ټریږی آیا پ‌هیوه‌رسی چه‌سری ګریږی دغه‌زورغواړی اوکه نه
هغه‌بی عقلانوخلکولاسونه‌ایله‌کړل چه‌دالله(ج) پرګای دسا –
ختګی خدایانونوم په‌خوله‌کی وا خیستی. مونږا وتا سی دی الله
(ج) ددا سی بی عقلی ځخه‌وساتی چه‌مونږلاس دا سلامه‌یله‌کوو.
وروئو! خدای پاک (ج) په‌بل آیات کریمه‌کی دا سی مونږ او
تاسوته‌وائی (لئن شکرتم لازیدنکم) که‌چیری تاسوماته شکر

وکاږی زه‌به‌وتاسوته‌زیات توب وکړم. وروئومونږا وتاسوپــه
پرخپل اسلام باندی شکروباسوتردی اسلام سبه‌شی نشته.وکوری
که‌دااسلام سبه‌شی نه‌وای روسانوبه‌دومره‌تلاش نه‌کاوه.وروئو!
نن مونږا وتاسوچه‌دریدلی یودیره‌به‌ده‌زمونږا وتاسوسره‌پیشه
ده‌بایدویده‌نشوګان ورته‌بیدا روکړوتاسوفکروکړی پخوا زما-

نەکی دین پەدیرتکا لنیفوسرەرا غلیٰ دلتەخوا فغا نستا ن ونور نورومنا طقوتەرسول شو ی دی یووختی یوقصەتولومشرا نوتە وایم حدیث دحضرت پیغمبر (ص) دی نبی علیدا لصلوةوا لسلا م وایی کەچیری دقوم عالما ن اومشرا ن را ولارنشی . دا کبسران تول پەجها دسرەمکلف نکری پەبەلارەسرەمکلف نکری تولە غرق کیږی .

محترموورونو! کەمونږ وتاسی دتولوولایا تومشرا ن را و لا ر نەشوا وخپل کشرا ن پەجها دسرەا مرنەکړوا ودا للە (ج) پە لارەسرەمکلف نکرودشیطا ن دلاری چی یی را ونەگرځووا للەکە ولارشوچەدوا رەغرق نشوا للە (ج) مونږا وتاسی پەجها دسرەا مر کری یوترجها دلورعبا دت فرض عین عبا دت نشتەخدا ی تا خوا ستەکەچیری جها دلەمیا نەځخەولاری پنځەبنا وی دا پا یەپنځو بنا ږ دە (لا الدالا اللەمحمدرسول اللە) پا یەدەپا یەدلما نځدەپا یەدزکوةدە، پا یەدحج دە، دا جها دکەخدا ی ناخوا ستە

لەمینځەځخەولارشی دا پنځەسرەبەرا غوندیږی قرآ ن مجیدبەد ا ڼغا نستا ن ځخەا لوزی، مونږا وتا سومشرا ن کەچیری ولارنشو خپل کشرا ن پەجها دسرەمکلف نکرونوا للەپا ک (ج) بەدوا رە غرق کری، مونږا وتا سوهم کەدا سی عمل کوولکەپەوخت دظا هر خا نی کی یا ددا ودخا نی کی چەخلکوپەکنا ەکول مونږبەهیڅ غږنەکا وە (چەپروا دا ردبزبەپا ی خودوکوسفندبەپا ی خود)نە نەهغەوخت نەدی ورونودغەځا ی دگرگا نوویخوا !

ا فسوس دی چەځەکوتیا ن مونږا وتا سوځخەروسا نونیو لی دی چەدهرا ت پەبنا رکی ا وقندها رکی چەځەرقم کوتیا نی د ی هلتەروسا ن نا ست دی ما ا وتا دلتەدکا رگا نوپەځا ی نا ستیو ما ا وتا نەپەچشی غیرت دریږی با یدما ا وتا وفکردځا ن سر ە رکړووخت دنا ستی نەدی ورونو .

زما ورونو! یوصحا بی (رض) مبا رک وا ئی پخوا وختو کی

بەدی سەوی لیدلی ویل نە، ابوجهل خەکوی وویل دە راتـە
وویل چەابوجهل نبی (ص) تەشکنځل کری دی. واللە (ح) دی
می قسم وی کەدی پزبیردم خوپەقتل ئی ونەرسوم. څوزما پـە
بدن کی بوخا ځکی وینەوی. ورونو! پەدغەورځ ابوجهل راو
تلی وویل زمادی قسم وی پەهغەلات اومنا تەچەزەنن داسلام
دمسلمانانو بیح ونەکارم کەخوپریردم نودی داسی جذبەکی
راوتلی و ابوجهل میدان تەراووت هغەصحابی مبارک وویل
کوجنیا نوهغەدا بوجهل دی دی دوو کوجنیا نوابوجهل پە قتل
ورسوی اومردارئی کړ. وکوری ورونو! دکوجنیانوغیرت تـە
نن زموبراونا سوپەقرآن مجیدباندی (نعوذباللە) روسان
استنجاوح کوی، بایدنول مسلمانان بیدارەشی اوجهاد تـە
آمادەشی داسی ندوی چەسکوت کښینا ستلوواللە (ح) روسان نو
داسی کافران دی. پەیاسدەموپەپریردی روسان اول خیـــل
دوست لەبینەوری دا دروسانوخاصب دی مایدخلدیدار غندات
چەصحابە (رض) جهادکاودبدصفوصفوسدورسردبلدکندل دالتە بو
صف دمسلمانانوودریدی هلتەپدیوصف دکفارو، دمسلمانانو
بوصحابی مبارک واشی ماچدیوبغل تەوکتل سوکوجنی ولاړ و
اوبل بغل تەمی چی وکتل بل کوجنی ولاړ وو.
مادا فکرلەځانەسردوکرچدازمان بوغشتلی نەرزما او
بغل تەولاړوای باردبەمی داکفارسدماتکری وای. واشی چد
دی راستەبغل می وکتل داکوجنی راندوویل جدنانداابوجهل
نوی لیدلی کاکو؟ وکوری ورونودی کوجنی ودغیرت تەمـا
وویل ندابوجهل خەکوی دەراندوویل ابوجهل ودنبی علیـد
السلام تەشکنځل کری دی واللەباللەدکدتی بربردم جەزمـا
پەبدن کی بوخاځکی وبندوی چەخوردداکسات ورندوانځلـم
ودابل بغل تەوکتل دابل کوجنی راندوویل کاکوابوجهل

کي پهقواکي ولیدل هغهددهبچیا ن چهدهخپلهروزلی وه دد ه
حزبیا ن هغهپهمخ کي ا چول دا کسا ن بی تولهپهمجا هدینومره
کول ا ودغهدروسا نودوستی ده . ا لله (ج) دی مونرا وتا سو د
روسا نوددوستی ځخهوسا تي ورونووخت لنددی خپلوخبروتــــه
خا تمهورکوم وآخردعوا نا عن ا لحمدا للهرب ا لعلمین.
ا للهم ا حفظ دیننا وقرآ ننا وشریعتنا فا نک خیرا لحا -
فظین ا للهم ا حفظنا من زوا ل الایما ن ومن شرا لشیطا ن و من
فتنهآخرا لزما ن ا للهم ا حفظنا من جمیع ا لبلا یأ وا لافا ت و
ا لامرا ض ا للهم ا حفظنا من ا لنفا ق وا لشقا ق وسوء ا لا خلا ق
ا للهم لاتفرق بیننا وبین حبیبک فی یوم ا لقیا مه ا نک لا
تخلف ا لمیعا دوصل ا للهعلی خیرخلقهونورعرشهسیدنا ومولا نا
محمدوعلی آ لهوا صحا بها جمعین برحمتک یا ا لرحم ا لرا حمین.



گت می توا ندپا سخگوی ملت وجا معه درشرا یط کنونی بوده و نقطهٔ عطفی درتا ریخ مبا رزا ت ا سلامی بوده با شدا ین گروهـ آ ش با ب نوی در صفحهٔ جها دوگا می ا ست عملی جهت رشدا فکا ر سیا سی ا جتما عی ومبا رزا تی درا همیت ورا هیست که ما را به سوی بزرگ را ه روشن رهنمون سا خته ا ست . ونقطه تکمیل بـــه منظورا یجا دا خوت ، برا دری هم دلی وهمگا می درسطح تما م ا فغا نستا ن بخون غنوده گردیده ا ست که تعقیب وپیگیری چنین حرکا تی بموقع بوده وتکا مل ا نقلاب ا سلامی ووحدت نظر بـــه صفوف مجا هدین کمک خوا هدکرد . تا ریخ شها دت میدهد . هر زما نیکه دست ا جا نب ومتجا وزین بسوی لانه شیرا ن ومهددلیر- ا ن وسرزمین ا فغا نستا ن درا زشده ا ست . با مقا ومت دلیرا نه وقهرما نا نه شیرمردا ن ا ین آ ب وخا ک مقا بل شده ا ندزما نیکه چنگیزبا سپا ه خون آ شا م خودحمله گسترده را بدا فغا نستا ن قهر ما ن آ غا زکردبه مقا ومت دلیرا نه جلال ا لدین خوا رزم شا ه و هزا را ن جلال ا لدین ها ی دیگرموا جه شدوآ ن هنگا میکه ا سکندر مقدونی قصدفتح هندوستا ن ا زطریق ا فغا نستا ن را دا شـــت مدت چها رسا ل درین میهن به موا نع شها مت وتسلیم نا پذیری





برادر مجاهد عبداللطیف سنی زاده
مسئول بخش اطلاعات امارت بادغیس

قرائت قطعه شعری توسط عبدالله نبی زاده
مسؤل بخش اطلاعات امارت بادغیس

بسم رب الشهداء والصدیقین

الحمدلله رب العلمین والعافیة للمتقین والصلوة و السلام علی خیر خلقه ونور عرشه سیدنا محمد و علی آله واصحابه اجمعین.

درجبهه اگر به خون شناور گردیم
ورمثله و قطعه قطعه پیکر گردیم
بهتر زهزار سال عمر است که ما تسلیم به دشمن ستمگر گردیم

مظهر حماسه

ما مسلمانان افغان ملت آزاده ایم
امتحان حق پرستی را بدنیا داده ایم
بهر حفظ خاک خود تا جان بود آماده ایم
ما سر تسلیم پیش هیچکس ننهاده ایم
مژده انا فتحنا می دهد قرآن ما
فتح و نصرت می تراود از دم پیکان ما
ما سیاه شیر مردانیم درمیدان جنگ
حق خود را باز می گیریم ازکام پلنگ
ما نمی ترسیم ازخمپاره و توپ و تفنگ
دامن مقصود ما را می آید بد جنگ
ما و سنگرگاه پیکار یم و میدان جهاد
مرگ نیکو بر که مرسکان ننگ را انقیاد
عرصهٔ اکرام و جولانگاه اعزازیم ما
مظهر حماسه و الگوی اعجازیم ما

ارتش اسلام را شایسته سربازیم ما
درجهان تا رایت حق را برافرازیم ما
قد علم کردیم تا کاخ ستم وا ژون کنیم
هاش لله گر حذر از دشمنان دون کنیم

پیش ما لینن پرست و پیرو ما ئو یکیست
آرزو غایه و پالیسی هر دو یکست
ایدهٔ ریکان و خط مشی کرباچوف یکیست
این اگر با ما مقابل می شود با او یکیست

درمیان کافران سلطه جوئی شرق و غرب
از نگاه ما خدا جویان نباید هیچ فرق
آن یکی ویتنام را با خاک یکسان میکند
آن دیگر آهنگ قتل خلق لبنان می کند

آن یکی قصد تجاوز را به ایران میکند
این یکی اشغال خاک پاک افغان میکند
باز هم از صلح می لافند و منشور ملل
لعنت حق باد بر نیرنگ این مشت دغل

ای مسلمان تا بکی درخواب غفلت اندری
تا کجا پا مال استبداد هر غارتگری
کز تو را این راه و رسم کافری
نیستی شایان هم آئینی و هم سنگری

نیست هرگز قابل بخشایش این تقصیر تو
عاقبت خون شهیدان است دامنگیر تو

قرائت قطعه شعری توسط محمد یوسف
عضو کمیته فرهنگی امارت عمومی هرات

ای مجاهد

ای جوانمردسلحشورای دلاور ای مجاهد
ای بپادارنده‌کیش پیامبرای مجاهد
ای چوابراهیم بر نمرودیان عصرغالب
ای شکست افگنده‌بربتهای آذرای مجاهد
ای بقربانگاه‌حق مانندا سمعیل مشتاق
ای وفاپرورده دامان هاجرای مجاهد
سنگ‌وخاک کشور ما شاهد جانبازی تو
ای زسنگت بالش‌وازخاک بسترای مجاهد
برحریم کشورت آورده‌یورش روس کافر
کشورت را پاک سازاز روس کافرای مجاهد
حزب خلق وباندپرچم ملک راکردندبرهم
مملکت داری نباشد کارهرسرای مجاهد
ازجفای روس ملعون شدوطن‌چون دجله‌خون
وقت ایثاراست اکنون ای برادرای مجاهد
آه‌اگردراین کشاکش درمحیط خون وآتش
دادنشاند ستمکش ازستمکرای مجاهد
درمقام حق وباطل هر که‌را باشدشعاری
دشمن وهورا توواللّه‌اکبرای مجاهد
انقلاب قوم افغان همچوخورشیددرخشان
می کندتاازبکستان رامنور ای مجاهد
بازتاب نهضت این سرزمین قهرمان‌خیز
تالهستان می رودکشوربه‌کشورای مجاهد
شاهد مقصود راتاافتدامن به‌دست
پابیرون مگذاراز دامان سنگرای مجاهد
مرحبا بر وحدت همبستگی و آشنائی
مرگ بربیگانه‌وبیگانه‌پرورای مجاهد



قرائت سلامبه مجاهدان هرات به مجاهدان نقاط دیگرافغانستان توسط برادرمجاهدغلام قادر (صمیم) آمرنظامی فرقه حضرت حمزه (رض)

سلام

بپذیرید همگی از دل گریان سلام
زهری خاک عزیزان و شهیدان سلام
قهرمانان مجاهد ودلیران وطن
شیر مردان سلحشور وعزیزان سلام
ای که نامت به جهان شهرهٔ آفاق شده
پاسدار دین و ای حافظ قرآن سلام
ز یتیمان پدرداده زدست ومحزون
به عزیزان ستم کردهٔ زندان سلام
بپذیرید ازان ما درک پیچه سفید
مرد پیری دوخم واله و حیران سلام
به عروسی که روان است خون ازکوشه چشم
طفل اورا به گلو خنجر دونان سلام
بپذیرید ازان مجروح افتاده بسر
که گزد ازسردردلب به دندان سلام
گویدهمسنگربا غیرت ازشهر هری
پهلوان مردی که ایستاده بمیدان سلام
خیر مقدم گویدت گل بچمن خاردمن
سنگ سنگ ازدل کهسار وبیابان سلام
خوش باداقدم نیک تودراین دیار
خاک پای تومرا سرمه چشمان سلام
ایکه کردی قدمت رنجه برای وحدت
فضل الله توئی کرده ای احسان سلام
مردصاحب نظر مولوی قندهار
به نقیب الله وهم جملگی یاران سلام

آن عزیزیکه از آن راه دراز تازه رسید
به غلام سخی آن قاری قرآن سلام

به مجاهد ونماینده هلمند درود
هم بفرمانده فاریاب زدل وجان سلام

پاس حرمت به شما شیردلان سنگر
مهمانان عزیز وجمله دوستان سلام

ز صمیم یاد درود برهمه حضار کرام
جمله مانم زدکان زاغدنشبنان سلام





برا د رمجا هدجگتورن سیدمحمدا کبر
قوما ندا ن عمومی ولایت فا ریا ب

متن بیانیه جگتورن محمد اکبر قوماندان عمومی امارت فاریاب

اعوذبالله من الشیطان الرجیم
الحمدلله رب العلمین والعاقبه للمتقین والصلوه و السلام علی خیرخلقه محمدوعلی آله واصحابه اجمعین .
حاضرین کرانقدر، دانشمندان! وعلمای کرام! قوماندانان دلیروباشهامت! مجاهدین سربکف راه حق !
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته : اعوذبالله من الشیطن الرجیم، واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا .
برادران نهایت عزیزوگرامی برای همهٔ شما معلوم است که روسهای جهانخوار ازسالیان متمادی ازدیرزمان چشم به افغانستان عزیزدوخته بودندهمین بی توجهی ها، بی نظمی ها وهمین نفاقهای داخلی بوده که سبب بقای روسها در افغانستان گشته است . ازچال ونیرنگهای گوناگون خود استفاده میکنندوگاهی اعلام میدارندکه مامصالحه می کنیم و مردم افغانستان رافریب میدهندبخاطرانیکه قوتها وقدرت های مجاهدین(رهبرهای ماراکم بسازندومزه نفاق راچشیده اندوحس کرده اندکه سبب پسمانی ما وسبب بقای روسها است .
پس همه برادران که دراینجا ازولایات دوردست گردهم آمده اندبخاطریک وحدت عمومی سرتاسری افغانستان و به این نقیصه بزرگ که سالها است که ما رابه عقب انداخته پی برده اند حالا بیاری خداوندمیخواهندکه سرنوشت آینده افغانستان را خودمردم بخون خفته افغانستان بسازندتنها سرنوشت مردم مسلمان افغانستان را خود مردم باشهامت افغانستان

د لتونها شهدداده اندتعیین خواهندکرد .
همه پی بردیم که سبب پسمانی نفاق بوده وپراگندگی مسلمین بوده است برادران ما که از ولایات دوردست قبول زحمت کردند وتکلیف قبول دا رشده ودراینجا حاضرشده اید . این بایدتعقیب شود باید مجلس های دومی وسومی دایرشود به همه گروه های مقاومت به تمام آنها فهمانده شود که ما این اتحاد و وحدت همبستگی سرتاسری افغانستان را گذاشتنی نیستیم تا اینکه این را به نتیجه نرسانیم . هرنوع ممانعت هرنوع اختلاف نظر را درباره وحدت ما بیاری خداوند به اتحادو کوشش برادران رفع خواهیم کرد و به آن مردمانیکه بعدازین هم میخواهند درداخل افغانستان بدبختی ونفاق وشقاق را ببیندازند به آنها موقع نمی دهیم درحالیکه ما بیاری خداوند بدان آرزوی خود موءفق شدیم که درسراسر افغانستان یک وحدت را به میان آورده ایم ویک پارچکی را به میان آورده ایم بعد از ان یک پایگاه عمومی درسراسر افغانستان دریکی از ولایات که موقعیت سوق الجیشی ومرکزیت خوبی را داشته باشد پناهگاه های طبیعی داشته باشد درینجا قرارگاه عمومی را تأسیس ویک رهبر با نام رهبر مجاهدین درافغانستان که او وسرپرستی سرتاسری مجاهدین افغانستان را به تمام معنی کرده بتواند تعیین بکنیم وبعد از آن از رهبرهای بزرگوار و دانشمند خود که درپاکستان اند خواهش میکنیم که آنها هم یک امیر عمومی برای خود تعیین بسازند و از آنجا بما هدایت ودستور بدهند دیگر آرزوی من اینست که تمام کمک های نظامی وکمک های اقتصادی مالی هرچیزیکه از طرف دولتهای اسلامی وغیراسلامی بدون قیدوشرط به مردم مظلوم افغانستان میشود آنها هم در داخل همان قرارگاه مرکزی نقل وانتقال شود و از همانجا توزیع شود و این بود نظریات برادرشما که به خدمت تان عرض

این مردم مقابل شدوهنگامیکه انگلیس پیر استعمارخیال تسخیرافغانستان را درمغزش می پرورانید زمانیکه با جنگ وستیز با این مرزوبوم مواجه شد از ۱۲ هزار عسکر آن فقط یک نفر بنام داکتر براید ن توانست نیمه جان فرار نماید . ودرعصرکنونی نیزچنگیزیان روسی بدون مطالعهٔ تاریخ این قوم کورکورانه دست به بزرگترین فجایع ننگین وجنا- یات نابخشودنی زدند . زهرتلخ درکام طفل معصوم افتاده درگهواره ریختند ومادرش را از سینه بدار آویختند عروس را سربه برچه بریده ودامادرا سینه به نیزه دریدند فضای عطر آمیز روح بخش هرچمن سبزه را از گلشن را با دودوآتش و آه آلوده کردند ودرختان میوه دار وسبزه زارها را مسموم و سر زدند حمامی را از خون درین سرزمین براه انداختند با این همه وحشت ودهشت که کرملین نشینان ودروازه بانان افغانی شان نمودند باز هم درمقابل خودهزارها جلال الدین ها و وزیراکبرها واحمدشاه ها ومحمودها را یافتند که با دست تهی وپای برهنه وسینه های سپردرروبا روی آنها قرار دارند ، اینها همه وهمه تابلوی رنگینی از واقعیتها ومقابله با کاخ نشینان وستم پیشگان است . اینها درس عبرت بر تمامی استعمارگران کهن ونوبوده که باید دریافته باشند که انگیزه این نوع مقاومت وجنگ اعجاز آمیز از کجا نشئت گرفته وروح- حیات ومعنویات مردمی که این جنگ ها را اداره میکنند به چه ترتیب بوده پایه واساس مفکوره وایده شان را چه چیز تشکیل میدهد . واقعا محاسبه نمودن چنین چیزی از طریق وسایل پیشرفته ووسایل الکتریکی وکمپیوتری کاری است بس دشوار وامریست بس محال از همین جهت است که روسها نتوانسته بودند بشکل درست ودقیق موضوع اشغال افغا- نستان یا عواقب آنرا از نظرگذرانده ومحاسبه نمایند لاکن اندکی بعد از همان آغاز جهاد مسلحانه در افغانستان روسها

نمودودرآخرخدا وندا روسها را با دا رودسته‌شا ن نا بود
وبرچم توحیدرا درسرزمین ا فغا نستا ن بدا هتزا زدرآ ورد .
من ا للدا لتوفیق .



سرا لدرمجاهد مولوی سراج الدین آمر تعلیم عمده
حضرت طلحه (رض) ولسوالی کرزیوان ولایت فاریاب

متن بیانیه مولوی سراج الدین آمر تبلیغ غند طلحه (رض) در گرزیوان فاریاب

بسم الله الرحمن الرحیم

نحمده ونصلی علی رسوله الکریم اما بعد فقد قال الله تبارک وتعالی فی کتابه المجید وفرقانه الحمید. یا ایها الذین آمنوا فی السلم کافه ولاتتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین. الایه.

حضار محترم این محفل و این اجتماع بزرگ که بدعوت جکتورن محمد اسمعیل امیر عمومی حوزه جنوب غرب تشکیل شده ونظر به دعوت این بزرگوار برادران مجاهد قهرمان افغانستان این تکلیف را بدوش خود قبول کرده درینجا قدم رنجه کردند به شما برادرها تبریک ومبارک گفته از خداوند متعال اجر این را به مصداق فرموده این حدیث (من سن سنه حسنه فله اجرها واجر من عمل بها من غیر ان ینقص من اجره شیی.

حضرت رسالت پناه (ص) فرمودند کسیکه یک راه نیک را اختیار میکند ایجاد میکند برای آن ثواب آن راه نیک وثواب آنهائیکه به آن راه نیک به پیروی از آن می روند داده می شود کسیکه بانی اول این راه است: پس نظر به این از خدای متعال اجر تمام شما برادران را خواهان هستم که شما تکلیف کشیده به این مجلس حاضر آمدید (خصوصا با زبه یک) مجلس پر افتخار این مجلس است که باعث نیک بختی وسعادتمندی در بین ما وشما میگردد. تنها سران تمام مجاهدین ولایت فاریاب با تمام نقاطش به این محفل حاضراند بدیگر برادر هائیکه از این مجلس غائب اند ما وکالتا سلام تقدیم میکنیم



برادران این یک روز عظیم خصوصا درطول انقلاب اسلامی است واین اجتماع مقدس بخاطرتحکیم وحدت اسلامی میان اقشار جامعه تشکیل شده است ما بایدبا تمام توان ونیرو دست آورد های این روزتاریخی را حفظ ودرجهت ایجاد وحدت کامل میان صفوف همدرزمندکان موءمن درسرتاسرافغانستان که به خاطررضای خداوندتبارک وتعالی جانبازی می نمایندتلاش ورزیده ودسایس رنکارنک دشمنان اسلام راکه بخاطر تفرق و چنددستگی مسلمین بویژه ملت مجاهدوقهرمان افغانستان در جریان است ، بایدبا هوشیاری کامل انقلابی خنثی ساخته ودست های ناپاک دشمنان اسلام راکه علیه انقلاب شکوهمند اسلامی ما سنک اندازی میکنندازبیخ قطع نمائیم، واجازه ندهیم که دشمن ستمکربیش ازاین ازحربهء پوسیده وزنک زده اختلاف استفاده نماید، واقشارجامعه قهرمان افغانستان را تحت عناوین گوناگون علیه یکدیگردرمعرکه نابودی بکشانند

برادران عزیز، سنکرداران قهرمان کشور، ملت مجاهدوبخون غنوده افغانستان عزیز، ما زمانی میتوانیم آرمان شهدای گرانقدرخویش را جامهء عمل بپوشانیم وحکو-مت اسلامی را بیاده سازیم که وحدت کامل اسلامی راایجاد کنیم، بدون ازوحدت اسلامی شایدنتوانیم بهآرمان مقدس خویش یعنی استقرارحکومت اسلامی موءفق شویم .

اگرتمام ملت مسلمان افغانستان وحدت کنندیک قوه میشود کهالحمدالله بیاری خداوندی هیچ قوه نیست کهآنرا شکست بدهدبشرطیکه رضای خدا یا بجویدچنانچه خداونددرقرآن می گویدکه (یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم).

ای گروهیکه ایمان آورده اید اگرشما درصدد قصد کمک دین خدا ، مستضعفین واسلام هستیدخدا هم درصددکمک شما است وآخردعوانا ان الحمدالله رب العلمین.





[illegible]

متن بیانیه الحاج عبدالکریم (مجاهد) امیر ولایتی بادغیس

متن سخنرانی الحاج معلم عبدالکریم امیرولایتی بادغیس:
بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمدسیدالمهاجرین والمجاهدین وعلی آله وصحبه ومن جاهد فی سبیل شریعته الی یوم الدین.

بعدازحمدوثناء خداوندمنان به نمایندگی ازمردم مسلمان ومتدین بادغیس، مجاهدین غیوروباشهامت بادغیس به نمایندگی ازمسئولین جبهات مقاومت درولایت بادغیس و بخصوص به نمایندگی ازبرادر مجاهدنیک محمد معلم قوماندان عمومی امارت بادغیس سلامها واحترامات برادرانه وصمیمانه آنها را به خدمت برادرمجاهدونستوه افسر دلیر جکتورن محمداسمعیل امیرعمومی حوزه جنوب غرب وسایر مجاهدین ومسئولین ولایات که دراینجا تشریف آورده اندتقدیم میدارم ازخداوندبزرگ میخواهم که این گردهمآئی شما برادران رزمنده ومجاهددرس بهتری برای ما مجاهدین کم تجربه باشد. امابعد. دراینجا مناسب میدانم قطعه شعری را ازعارف بزرگ مولانا عبدالرحمن (جامی) که مناسب حال ما و شما مسلمانان دربندومسلمانان زیرستم سروده اندقرائت نمایم. این عارف بزرگوارمیفرماید:

به سختی درسیاه چاه آرامیدن　　به کنج سخت زندان درخزیدن
بدفرق سرنهادندصدشتر بار　　زمشرق تا به مغرب راه بریدن
فرورفتن بآتش دان نکون ساز　　به پلک دیده آتش پارچیدن
خزف راکوهرشهواکردن　　به ناخن سنگ خارا را بریدن
بسی برجامی آسانترنماید　　که یکدم زیردست غیر بودن

برادران مومن ومجاهد، رزمندکان راه حق مسئولین



جبهات خدمت شما عرض میدارم انقلاب اسلامی ما وشما به سرحد پیروزی نزدیک است دشمن شکست خورده وزبون که نتوانسته است ازراه اعمال زوروقدرت ونیروی شیطانی برما و شما غلبه حاصل کندبالاخره مجبورکردیده است که مکروحیله های شیطانی را روی دست بگیرد. خداوند درقرآن شریف میفرماید:

فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کیدالشیطان کان ضعیفا.

هما نطوریکه پروردگارعالم درقرآن عظیم الشأن فرموده است. همه مکروحیله های شیطانی وهمه تاکتیکهای شیطانی همه طرح ودسیسه های شیطانی انشاءالله که خط روی آب است تأثیردرجهادومبارزه ما وشما ندارد ونخواهدداشت ملت موءمن ومجاهدما که درطول نه سال انقلاب اسلامی خودمتحمل خسارات مالی وجانی فراوان کردیده است هزاران تن شهید داده اندوهزاران تن آواره وسرگردان شده وخانه های شان ویران کردیده است دارائی مال واموال شان به یغما برده شده است همه زحمات وتکالیف راازفرا رومهاجرت کرفته تا در سنگرها ودادن بیش ازیک ملیون شهیدهمهء این خسارات و تلفات را تحمل کرده اندهمهء آنها رابخاطر رضاء خداوند (ج) وبخاطراعلاء کلمه اللهٔ قبول کرده اند.

جای افتخاراست با دادن شهیدباآواره شدن سرگردان شدن همه چیزراافتخارخودمیدانندپس چگونه میتوان که در برابرهمهء آن تکالیف که ملت مسلمان وموءمن ومجاهدافغانستان قبول کرده اندبازهم سرانجام همهء این تکالیف همه این زجروشکنجه ها همهء این آوارگی ها وسرگردانی ها و قربانی آمال وآرزوهای ناپاک دشمن گردد دشمن با طرح دسیسه های ازقبیل حل سیاسی ، پیشنهادآتش بس پیشنهاد آشتی ملی و به اصطلاح همهء این کید ومکر و حیله های

وعمال مزدورشان دریا فتندکه نمی توان برای انحراف عقاید مردم افغانستان بسرنیزه توسل جست درهمین جاست که سخت درتنگنا ه قرار گرفته وپای دردام گیرمانده اند باز هم مترددبوده دیوانه وار شروع به تناقض گوئی می نمایند و گاه چگونه فکر بیرون رفتن راازافغانستان پلان میریزند و زمانی به اعلان کشیدن قسمتی از نیروهای خود از افغانستان میخواهندمردم را فریب بدهندوگاه نقشه ها وترفندهای شیطانی را درسطح بین المللی برای گول زدن مردم افغانستان بکار می اندازندولی همه پلان های شان بنقش بروی آب شده وبه افتضاح کشانیده شده وماسک دروغین از چهره فاسد این ددمنشان تاریخ برداشته وروی سیاه شان به جهانیان برملا گردید.

مبدل شدبه گورستان روسان خاک ما آری

سزای آنکه ناخوانده می آیدبه مهمانی

بلی درین موقع بایدگفت بعضی از اختلافات جزئی وشگاف موجودمیان مجاهدین وبعضی عوامل دیگردریچهٔ امیدواری بسوی روسها آشوده وشکست حتمی شانرا به تعویق می اندازد ودرهمینجاست که نیازمبرم ملت وجامعه وتوقع عمومی مردم ازقائدین جهادکنونی اسجاداتحادوهمبستگی مفیدوفشرده کافه مسلمین ومجاهدین است که پیروزی نهائی رادر بر داردلذا مااززعماوپیشوایان احزاب اسلامی بنابه خواست ملت ونیازجامعه جدا میخواهیم تادراستحکام وحدت وهماهنگی همهٔ احزاب اسلامی واقشار ملت بذل مساعی کمارده و ازنفاق وشقاق دوری ورزندوازفرمان، فرمانروای کل عدول نکرده ومردم دیده به انتظار اتحاد را مأیوس ونا امید نسازند، باشدکه راه رسیدن بهدف عالی وپیروزی نهائی بر بلندترین ستیغ موفقیت واستقرار حکومت عدل الهی هرچه کوتاه ترگرددااستغنا وبی نیازی ازهم دلی و همگامتی



شیطانی خود همه این زحمات و تکلیف ما و شما را حدر و بیبهره ... بساز دانقلاب اسلامی ما و شما را درسرحد نزدیک به پیروزی ... انحراف بکشانند آیا این دسیسه ها این مکرها و این حیله ها مورد قبول شما ملت مجاهد خواهد بود. مگر خون یک ملیون مسلمان شهید کجا شد آوارگی ها و سرگردانی ها نادیده گرفته خواهد شد مگر اشک یتیمان پدر از دست داده درهمین امیدواری ها نادیده گرفته خواهد شد مگر اشک یتیمان پدر از دست داده درهمین امیدواری با ید بدیأس و ناامیدی تبدیل کردد جواب این سوال ها همگی به این نقطه ختم میکردد که جز استقلال و آزادی اسلامی و بد جز برافراشته شدن لوای توحید بر فراز کشور عزیز و اسلامی ما افغانستان دیگر خونبهای همه این ملت شهید داده این ملت شهید داده این ملت مظلوم چیز دیگری نخواهد بود.

برادران مسلمان امروز دستهای کثیفی دستهای بخون آلوده که بخون یک ملیون مسلمان آلوده گردیده است و تا آرنج آلوده بخون شهداء ما است بنام دوستی و نام آشتی به طرف ما دراز گردیده است مگر این دستها را شما نمی شناسید که از کجا و به چه دستوری و به چه نامی و زیر چه سرپوشی بطرف شما مجاهدان دراز گردیده است آشتی ملی یعنی چه ملت دیگر باید چه بکند ملت کی را کشته است. دشمن هنوز درداخل سنگر است که خون یک ملیون مسلمان را ریختانده است با او باید آشتی کرد نه خیر میگوییم . .

ای بسا ابلیس آدم روی هست   پس به هر دستی نباید داد دست

این دستهای خائن این دست های مجرم این دست های جنایتکار را با هر نام و نشانی که دراز میشود و به هر لباسی که دراز میشود باید شما مجاهدین فداکار آن را حق از شانه قطع کنید نگذارید که چنین دستهای در بین ما و شما مجاهدین دراز شود بد خیانت و جنایت بپردازد آرزوی ملت مؤمن و مجاهد افغان بد جز پیروزی در اسلام نهایت امر چیز دیگری نیست

باید به خواسته های ملت توجه کرد باید ملت را منظور کرد چنین ملت که شهید داده است ملت که آواره گردیده است ملت که بی خانه و بی کاشانه گردیده است این ملت حق دارد. که در سرنوشت خود دخالت کند سرنوشت این ملت اگر در روا شنگتن و مسکو به مشوره ریکان و گورباچوف تعیین گردد مورد قبول ملت نیست ملت نمی خواهد که سرنوشتش بدست بیگانه تعیین گردد. همان طوریکه ملت مجاهد افغان بنام خدا و همت خود و به هدایت قرآنی قیام کرده است مبارزه و جهاد کرده است سرزمین اسلامی خود را آزاد میکند حق دارد که برای خود سرنوشت تعیین کند سرنوشت که مطابق حکم قرآن مطابق خواسته های اسلامی بدون دخالت ابرقدرتها بدون دخالت دستهای بیگانه در داخل افغانستان بلکه در سنگرهای خونین و جوشان باید برای ملت تعیین گردد ملت خواستار اینچنین تعیین سرنوشت است ملت آن سرنوشت را نمی خواهد که در قصر کرملین به مشوره گورباچوف و در کدام جای دیگر خارج از سرحد افغانستان تعیین گردد برادران مسلمان ما وشما امروز وارد یک مرحله حساس شده ایم جهاد اسلامی ما وشما نزدیک به سرحد پیروزی است دشمن میخواهد برای خود پوزه آردی جور نموده و فرار را اختیار کند، درین وقت حساس باید خیلی محتاط باشیم چونکه درین وقت دستهای مرموزی هم زیاد درکار است میخواهد ما وشما را فریب بدهد از جهاد و مبارزه ما وشما از زحمت و تکلیف که کشیده ایم به نفع خود استفاده نماید لهذا بیداری شما ملت مجاهد مشت محکم خواهد بود بر دهن این چنین یاوه سرایان وزورگویان وانشاء الله همه مکر ونیرنگهای شان که درین مورد طراحی کرده اند نقش برآب خواهد شد و درخاتمه دعا میکنم. .

ربنا افرغ علینا صبرا وثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکفرین. صلی الله علی سیدنا محمد وآله واصحابه اجمعین. .

وحدت

تاکی بخودستائی تاکی گروه گرائی
بنگر که‌چون فتاده ملت به‌بینوائی
دسمن نشسته‌بی غم مارا فگنده باهم
جز وحدت این مرض را نبود دگردوائی
تاکی بخودستائی تاکی گروه‌گرائی
بنگرکه چون فتاده‌ملت به‌بینوائی
کرده‌است روس کافر درخاک ما تجاوز
با رسم سلطه‌جوئی با طرزبی حیائی
با خاک وخون کشیده‌افغانستان ما را
ازدوستان ندیدیم جزوضع بی وفائی
تاکی بخودستائی تاکی گروه‌گرائی
بنگرکه چون فتاده‌ملت به‌بینوائی
تا وحدتی نباشد دربین سازمان ها
کی می شود میسر پیروزی نهائی
اندرجهان نکرده‌از اختلاف و تبعیض
هرگز کسی مفادی هرگز کسی کمائی
تاکی بخودستائی تاکی گروه‌گرائی
بنگرکه چون فتاده‌ملت به‌بینوائی
کشته‌شده‌هزاران پیروضعیف وناتوان
با توپ وتانک وهاوان با قوهٔ هوائی
شد طفل سربریده در پیش روی مادر
مادرکشیده فریادکی طفل من کجائی
تاکی بخودستائی تاکی گروه‌گرائی
بنگرکه چون فتاده‌ملت به‌بینوائی
ای مردم توانا سنگر نشین دانا

بیرون نگردد از خاک دشمن بخون رضائی
با اتفاق وحدت، شبخون زنید به دشمن
تا راه خود کند کم این کافر جرائی
تا کی بخودستائی تا کی گروه گرائی
بنگر که چون فتاده ملت به بینوائی
ما مردم دلیریم درجنگ شرزه شیریم
گر نوجوان و پیریم با یکدیگر فدائی
تا یک رمق به پیکر باشد رویم به سنگر
از مرگ ما چه بهتر در سنگر خدائی
تا کی بخودستائی تا کی گروه گرائی
بنگر که چون فتاده ملت به بینوائی
از بارگاه ایزد خواهد (شهید) حیران
تا حق دهد نجاتش از رعب وخود نمائی
ای یار کودکا را مگذار خوار ما را
دربین ما و کشور تا کی بود جدائی
تا کی بخودستائی تا کی گروه گرائی
بنگر که چون فتاده ملت به بینوائی


[illegible]


[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

متن قطعنامهٔ شورای عمومی تاریخی ۱۳۶۶/۲/۲۰ الی ۱۳۶۶/۵/۱ ملت بخون خفتهٔ ما که همه روزه شاهد بمباردمان های وحشیانه وکشتار بی رحمانه روسهای جنایتکار اند. وروز تا روز مظالم، وحشت ودهشت روسهای تابکار بر حریم مقدس اسلامی ما افزایش می یابد مردم مؤمن وخدا پرست ما با روحیه عالی ورزمی وسرشار از عشق خداوند (ج) به جهاد مقدس شان علیه متجاوزین ادامه میدهند. ما سنگرداران مؤمن وسلحشور ما از عدم موجودیت وحدت وهماهنگی در صف جهاد ومبارزه شان نهایت متأثر ورنجور رند. بنابرین با درک این رسالت عظیم اسلامی وتاریخی برادر دانشمند وعالیقدر امیر صاحب عمومی حوزه جنوب غرب جکتورن محمد اسمعیل اقدام بدعوت تمام مجاهدین وسنگرداران دلیر جبهات نور علیه ظلمت به منظور برآوردن آرمان شهداء وسنگرداران مؤمن ما در صف افغانستان فرمودند واز تمام ولایات وولسوالیها به تعداد یکهزار ودوصد نفر از فرماندهان جهادی اشتراک ودر ظرف مدت یازده روز تصامیم آتی بکمک ومعاونت ایزد متعال نظر به نیاز مبرم که در صفوف جهاد بوده ودون درنظرداشت مسایل منطقوی وتنظیمی گروهی گرفته شد که در طی ده سال مقاومت سلحشورانه ملت مقاوم ما اولین گام مثبت وارزنده است درراه ایجاد یکپارچگی واتحاد مسلمین به مطابق خواست جامعه نیاز جامعه بر داشته شد طوریکه همه می دانید روسهای جنایتکار با شهید نمودن دو ملیون مسلمان افغان وخراب کردن اماکن مقدسه وبه یغما بردن سرمایه های ملی امروز بااعلان آتش بس وصلح آشتی ملی میخواهد ملت رزمنده ما را بفریبد واز این طریق میخواهد سرپوشی بالای همه جنایات خود بگذارد ولی ملت ما بااینهمه

ترفندهای شیطانی ونقش های ددمنشانه روسها آکاه بوده وما هم بدا خذتصمیم ازقلب سنگرهای خونین مجبوریم تا متوجه به سرنوشت ملت مظلوم خویش کردیده وقاطعانه تصمیم بگیریم .

بنابرین شورای عمومی فرماندهان سنگرهای جهادی داخل افغانستان که درتاریخ ۱۳۶۶/۴/۲۰ درولسوالی ساغر ولایت غوردایرگردیدچنین فیصله به عمل آوردند :

اول : حق تعیین سرنوشت آینده افغانستان مربوط به وارثین شهداء وسنگرداران موءمن که درجبهات گرم مبارزه مشغول پیکاروآماده شهادت اندمی باشدوبه هیچ کس اجازه نمیدهند که درتعیین سرنوشت آینده ملت مظلوم ما ازخارج تصمیم بگیرند . .

دوم : عملیات هماهنک وسراسری علیه اشغالگران روس درسرتاسرکشورتشدیدگردد . .

سوم : چنین فیصله به عمل آمدتا وحدت صفوف جهادی در داخل افغانستان حتمی وضروری تأمین گردد . .

چهارم : ارتباطات مخابروی درتمام نقاط افغانستان برقرارواگرکدام مانعی درین راه باشد . اقدامات جدی برای رفع آن صورت گیرد . .

پنجم : مبادله تجارب جهادی ، افشا نمودن دسایس وتاکتیک روسها ، آموزش تاکتیکهای رزمی واتخاذتجاویز لازمه در زمینه . .

ششم : برای رفع مشکلات اقتصادی واجتماعی مردم تصامیم لازم اتخاذگردد . .

هفتم : ایجادچندپایگاه مستحکم ومشترک تنظیمی اسلامی در نقاط مهم وحساس ستراتیژیکی افغانستان تا منحیث مرکز تعلیمی وسنگرمستحکم علیه روسها بوده باشد . .

هشتم : روی مشکلات حقوقی وقضائی تمام مردم افغانستان و حل منازعات ذات البینی مردم تصمیم گرفته شدو هم تأسیس

محاکمه عدلی قضائی مشترک تنظیمهای اسلامی درسطح ولایات وولسوالیها . .

نهم : هیئات منتخب قضائی با صلاحیت درمنطقه میترا ندبه حل منازعات سریعا بپردازد . .

دهم : روی حل مشکلات صحی وتداوی مریضان ومجروحین ومردم محروم افغانستان تصامیم لازم اتخاذکردید . ونیزازتمام دکتوران مهاجرین افغانستان درخواست به عمل خواهدآمدتا درزمینه همکاری نمایند . .

یازدهم : بمنظورتعیین شورای عالی انقلابی جهاد ، تعیین سرنوشت ملت مظلوم افغانستان ، چگونگی سوق واداره وهماهنگی رزمی درداخل افغانستان کنفرانس دومی درظرف شش ماه آینده دایرخواهدشد . .

دوازدهم : درجلسه آینده آمرین ولایتی تمام تنظیمهای اسلامی افغانستان با نماینده با صلاحیت عام وتام شان حضوربهم رسانند . .

سیزدهم : به تمام قوماندانهای تنظیمهای اسلامی داخل افغانستان موقع داده میشودتا به پیشنهادوارا ندنظروابتکار عمل درین آرمان مقدس همکاری لازمه فرمایند . .

چهاردهم : شورای عالی جهاد فشاربیاوردتا اتحادواقعی احزاب اسلامی درخارج ازمرزها تحقق پذیردبا تصامیم قاطع نظامی درداخل وفعالیتهای سیاسی جهادی درخارج منتج به خروج کامل روسها ازافغانستان کردد . .

پانزدهم : شوراها وکنفرانسها درتمام ولایات وولسوالی هاوجبهات دایرگرددتا برای جلسه دومی نمایندگان با صلاحیت شان راا عزام بدارند . .

شانزدهم : روسها بدون قیدوشرط افغانستان راترک کویند و بیش ازین بخون مظلومین ما بازی نکنند . .

هفدهم : روسها بدون پرداخت غرامت جنگی نمی توانند به

مصونیت تمام افغانستان برآیند.

هجدهم: مسئله به عمل آمد که تا حاکمیت قرآن و حکومت عدل الهی و برافراشتن لوای توحید برفراز کوهپایه های غرور آفرین افغانستان دست از ماشه تفنگ و جهاد مسلحانه برنخواهیم داشت.

نوزدهم: ما با قاطعیت تمام مسئله صلح و آشتی با حکومت اشتراکی دروغین روسها و غلامانش که هم خدعه و نیرنگ است محکوم و رد می نمائیم.

بیستم: این قطعنامه قابل تنفیذ و ثمر میباشد و در تمام ادوار ساحات جهاد افغانستان به اجرا خواهد رسید.





که بعضی از گروه‌ها و احزاب خودبزرگ بین احساس مینمایند اشتباهی است بزرگ . درشرایط کنونی جاه‌طلبی و خود بزرگ بینی ودوری از اتحاد وهمبستگی مبادرت بجرم است که علایم موءجه نفاق را دربرداشته ومورد عذاب خداوند (ج)و بازپرسی ملت سلحشور وموءمن افغانستان قرارخواهند گرفت کاروان انقلاب اسلامی به‌پیش می تازد وکشتی نوح سوار این حرکت دردریای بیکران ومتلاتم این هستی در حرکت خودادامه میدهد وبیاری ونصرت خداوندبزرگ (ج)و همت شما شیردلان وحماسه‌آفرینان وبحکم تاریخ زمانی نه چندان دوربساط این رهزنان را ازصفحه روزگار برخواهند چید .



برا ندبرا درمجا هدلوکروبرا درا ن مجا هدفرقه‌حفر ت
حمزه (رض) :

قسمت دوّم

اجتماع بزرگ ساغر
و
انعکاس آن در مطبوعات



بتاريخ ۲۰ من شهر سرطان عام ١٣٦٦ هـ ش الموافق لـ (١٩٨٧/٧/١١) م شهدت خنادق مدينة (شافر) بمحافظة (غور) في جنوب غرب افغانستان اكبر اجتماع عسكري عقده قادة المجاهدين في افغانستان ، حيث حضر هذا الاجتماع الجهادي الكبير حوالي (١٢٠٠) الف و مائتي قائد من مختلف المحافظات و الجبهات .

و لقد عقد الاجتماع بالشراع و بدعوة من الأخ القائد محمد اسماعيل قائد المجاهدين العام في هرات و استمرت المباحثات و البيانات في الاجتماع احد عشر يوما كاملا ، حيث القيت خلالها الخطابات ، و التصريحات من قبل معظم القادة المشتركين في الاجتماع ، و نوقشت الموضوعات المعنية و عدد القادة و ممثلي المجاهدين تصميمهم على مواصلة الطريق و استمرار الجهاد المسلح حتى اخراج آخر جندي روسي من ارض افغانستان الحبيبة و اقامة الحكم الاسلامي في هذا البلد الاسلامي العريق ، و ترتفع راية الاسلام في ربوعها و فوق جبالها الشامخة عالية خفاقة .

و قد لبى هذا النداء جميع المجاهدين الرابضين في الخنادق و ابدوا استعدادهم الكامل و تفانيهم من اجل الوصول الى هذه الغاية المنشودة .

و اخيرا اختتم الاجتماع القيادي باصدار قرارات حازمة حول الوضع في افغانستان و سجلت في الاوراق ، حيث تم توزيعها بين الجبهات مرفقا مع مقدمة حول انعقاد الاجتماع .

بسم الله الرحمن الرحیم

(پیشگفتار)

ملت افغانستان مبارزه را آغاز کردند تا آزاد و مستقل زندگی نموده و خود بر امور سرنوشت شان تصمیم گرفته و دست اجانب را از مسایل مربوط خویش بطور کامل قطع نمایند روی این اصل و ضرورت مبرم جهادی در لحظات حساس و سرنوشت ساز، انقلاب اسلامی که خوشبهای بیش از یک و نیم ملیون انسان دردمند و جان نثار است، از هر جانب مورد تاخت و تاز دشمنان اسلام قرار گرفته و دسیسه های مرموز استعمارگران که در تغییر دادن جهت و منحرف ساختن روند تکاملی جهاد مقدس ملت مؤمن و قهرمان افغانستان از هر جانب دراز شده بود. و دسایس خطرناک و رنگارنگ دشمن با تاکتیک های جدیدی درجریان بود.

و در دو آتش خشم جنگ اوج اندیشه ها را تیره و تار ساخته بود و یگانه روزنهٔ امیدی که بر دلهای خسته و روح های افسرده نوید پیروزی و مسرت میداد، سنگرهای افتخار آفرین جهادی بود، و (همبستگی بیشتر سنگرداران عزیز در یک صف مرصوص) بنأ از قلب سنگرهای جهادی بار دیگر از دیار عاشقان الله هری قهرمان ندای (وحدت اسلامی) از قلب پاک سنگرداران بزرگ برخواست و همه سپاهیان راستین و سرداران رشید اسلام بدین ندا در سراسر کشور از دل و جان لبیک گفتند. اجتماع بزرگ و تاریخی شاغر تشکیل گردید و با صفا و خلوص نیت سپاهیان اسلام به شور و مشورت پرداختند و تصامیمی را جهت بهبود امور جهادی اتخاذ نمودند، عظمت و بزرگی و ارزش و موثریت این اجتماع شکوهمند از آنکه برای ایجاد وحدت کامل اسلامی میان سنگرداران اسلام شکست

شده بود، نمیتوان درچند سطر خلاصه کرد، اجتماع بزرگ ساغر نه تنها اثرات کلی در امورات جهادی در داخل کشور داشت و مورد استقبال همگان قرار گرفت، بلکه در جهان مطبوعات نیز بازتاب گستردهٔ داشت. و فیصلهٔ کلی اجتماع بزرگ ساغر با تحلیل ها و تفسیرها و چاپ تصویر صحنه های فوق در مطبوعات مختلف جهادی و مطبوعات خارجی به نشر رسید.

اجتماع بزرگ ساغر در مطبوعات بطور کل انعکاس خوبی داشته و مورد تقدیر و تشویق دوستداران وحدت و آزادی افغانستان قرار گرفت، بنا بعلت اختصار مطلب بخشی از نمونه های نشرات را در باب انعکاس فیصله شورای فرماندهان سرتاسری کشور در ساغر درخصوص مطلب فوق به نشر رسانیدیم. امید است معذرت ما را خوانندگان عزیز بپذیرند و درعدم انتشار گستردهٔ مطلب متذکره [illegible] نکنند.

مدیر مسئول جریدهٔ ندای سنگر — والسلام

نعمت الله (طبیب)

بسم الله الرحمن الرحيم

البيان الختامي لمجلس شورى قادة المجاهدين الذي عقد في مديرية (ساغر) بولاية (غور) والذي دعى اليه الرائد البطل محمد اسماعيل امير الحوزة الجنوبية الغربية .

وهذه مقدمة البيان الختامي لمجلس الشورى .

حيث أنه لا يمر يوم على الشعب الافغاني المضحي الا و القصف العشوائي الروسي الظالم يؤدي الى استشهاد العشرات بل المئات منهم و يقود الى محرقة الموت من هذا [illegible] الأبي الأطفال ،و النساء ،والشيوخ طوابيرا من الضحايا و يوما بعد يوم تشتد هذه المظالم ،حيث لم تكتف بالقتل فقط بل بالاعتداء على كل المقدسات الاسلامية لتراث شعبنا الأفغاني المؤمن بالعقيدة الاسلامية .

و لعدم وجود الوحدة الحقيقية الكاملة بين أصحاب الخندق الواحد على ساحة الجهاد الأفغاني أقدم الاخ الرائد محمد اسماعيل خان الى دعوة جميع قادة التنظيمات على مستوى كل الولايات الافغانية و قادة الجبهات و امراء الولايات لحضور مجلس الشورى لطرح افكارهم و نظرياتهم و تقديم مقترحاتهم بشأن تطوير الجهاد و تقدمه الى الأمام و طرح وجهات النظر حول قضايا المنطقة




افغان جهاد

مجلۀ سه ماهۀ شورای ثقافتی جهاد افغانستان

سال اول شمارۀ اول ۱۱ جوزا - ۹ سنبله ۱۳۶۶


جگړورن محمد اسمٰعیل امیر حوزۀ جنوب غرب


تورن سید اکبر قوماندن عمومی فاریاب


قوماندان عبدالکریم امیر ولایت بادغیس

اجلاس قوماندانان در غور

از تاریخ ۲۰ سرطان الی اول اسد امسال یکتعداد کثیر قوماندانان جهاد افغانستان در ساغر ولایت غور یک اجتماع بزرگ را تشکیل دادند. متن فیصله نامۀ ایشان در برخ "اسناد مهم" این شماره به نشر رسیده است.



قیمت یک شماره ۳۰ روپیه (۸ دالر)

تقاضای وحدت کامل مجاهدین، ردبر پروگرام "آشتی ملی"

متن قطعنامۀ مجاهدین داخل کشور بعد از جلسۀ ساغر ولایت غور

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

ملت به خون خفتهٔ ما که همه روز شاهد مبارزات، شهادتها، وحشیانه و کشتار رسمی و حمایتهٔ روسهای جنایتکار اند و روز تا روز مظالم، وحشت و دهشت روسهای تجاوزکار بر حریم مقدس اسلامی مان افزایش می یابد. مردم مؤمن و خداپرست ما با روحیهٔ عالی رزمی شان را از عشق خداوندی به جهاد مقدس شان علیه متجاوزین ادامه میدهند. اما سنگرداران مؤمن و سلحشور ما از عدم موجودیت وحدت و هماهنگی در سطح جهاد و مبارزهٔ شان نهایت متأثر و رنجور شدند. بنا برین با درک این رسالت عظیم اسلامی و تاریخی برادر دانشمند و عالیقدر امیر صاحب عمومی حوزهٔ جنوب غرب جگتورن محمد اسمعیل اقدام به دعوت تمام مجاهدین و سنگرداران مؤمن جبهات نور علیهٔ ظلمت بمنظور برآوردن آرمان شهدا و سنگرهای مؤمن ما در سطح افغانستان فرمودند. و از تمام ولایات و ولسوالی ها به تعداد ۱۲۰۰ نفر فرماندهان جهادی اشتراک و در ظرف مدت یازده روز تمام با آتی به کمک و معاونت ایزد متعال جل جلاله نظر به نیاز مبرمیکه در صفوف جهاد بود، بدون در نظر داشت مسایل مسلکی، تنظیمی و گروهی گرفته شد. که در طی ده سال مقاومت سلحشورانه ملت مقاوم ما، اولین گام مثبت و ارزنده در راه ایجاد یکپارچگی و اتحاد مخلصین مطابق به خواست و نیاز جامعه برداشته شد. طوریکه همه میدانند روسهای جنایتکار با شهید نمودن در ملیون مسلمان افغان و خراب کردن اماکن مقدسه و به یغما بردن سرمایهٔ ملی، امروز با اعلان آتش بس، صلح و آشتی ملی میخواهند ملت رزمندهٔ ما را بفریبند و از این طریق سرپوش بالای این همه جنایات خویش بگذارند. ولی ملت ما با اینهمه ترفندهای شیطانی و نقشه های ددمنشانهٔ روسها آگاه بوده و ما هم با اخذ تصمیم از قلب سنگرهای خونین مجبوریم تا متوجه به سرنوشت ملت مظلوم خویش گردیده و قاطعانه تصمیم بگیریم. بنا برین شورای عمومی فرماندهان سنگرهای جهادی داخل افغانستان که از تاریخ ۱۳۶۶/۲/۲۰ الی ۱ اسد ۱۳۶۶ در ولسوالی ساغر ولایت غورات دایر گردید چنین فیصله بعمل آوردند:

متن قطعنامه

۱- حق تعیین سرنوشت آیندهٔ افغانستان مربوط به وارثان شهدا و سنگرداران مؤمن که در جبهات گرم مبارزه مشغول پیکار و آمادهٔ شهادت اند میباشد و بهیچ کس اجازه نمیدهند که در تعیین سرنوشت آینده ملت تصمیم بگیرند.

۲- عملیات هماهنگ و سراسری علیه اشغالگران روس در سرتاسر کشور تشدید گردد.

۳- چنین فیصله بعمل آمد تا وحدت صفوف جهادی در داخل افغانستان حتمی و ضروری تأمین گردد.

۴- ارتباطات مخابروی در تمام نقاط افغانستان برقرار و اگر کدام مانعی درین راه باشد. اقدامات جدی برای رفع آن صورت گیرد.

من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه

میثاق خون

ارگان نشراتی کمیته مرکزی حرکت اسلامی ...



... شماره ۱۱ ماه دلو ۱۳۶۶ هـ ش ...

نگاهی به

گردهم آیی تاریخی فرماندهان و نمایندگان سنگرهای جهادی افغانستان

درین گردهم آیی که حیثیت یک جرگه قانونی علم برداران جهاد میهن ما را داشت قطعنامه جهت خنثی ساختن توطئه های دشمن و تحکیم وحدت بین صفوف مجاهدین صادر گردید

ولسوالی ساغر ولایت غورات ، ۲۰ سرطان :

اجتماع باشکوهیکه در طول ده سال جهاد در کشور سابقه نداشته ، بنابر دعوت جگتورن محمد اسمعیل خان امیر عمومی جبهات حوزه جنوب غرب کشور در ولسوالی ساغر ولایت غورات دایر گردید. درین اجتماع و گرد هم آئی که از تاریخ ۲۰ سرطان ۱۳۶۶ آغاز شده و تا تاریخ ۳۰ سرطان ۶۶ دوام داشت جم غفیری از قوماندانان، امیران و نمایندگان سنگرهای جهادی کشور ، بدون در نظرداشت مسائل گروهی و تنظیمی و غیره حضور بهم رسانیده بودند .

درین اجتماع که مدت ده روز دوام داشت قوماندانها و امیران جهاد ، بخاطر هماهنگ ساختن جهاد و ابعاد سنگرهای جهادی طی نشست های متعددی ابعاد را ارزیابی و بررسی پرابلمها و مشکلات موجود ، پیشنهاداتی بخاطر رفع ایـن مشکلات ارائه دادند و در ایـن پیشنهادها تأکید کردند که همه باهم بدون درنظرداشت تعصبات گروهی و تنظیمی بخاطر رضای خداوند و بخاطر بیرون راندن قوای اشغالگر و متجاوز روس از کشور عزیزمان در یک صف واحد و فشرده به جهاد ادامه دهند.

بتاریخ ۳۰ سرطان که آخرین روز این گردهمائی بود همه امیران و قوماندانها همراه با مجاهدین خویش بجوب دره ای که محل اجتماع نهائی مجاهدین تعیین گردیده بود بحرکت آمده و چون موجی عظیم و خروشان از بحر بیکران و طوفانی احساسهای شوریده و انقلابی در امتداد دره با شرفندگی مد و جذری بخود می گرفتند که بالاخره درحالیکه شعارهای فلک شگاف شان :

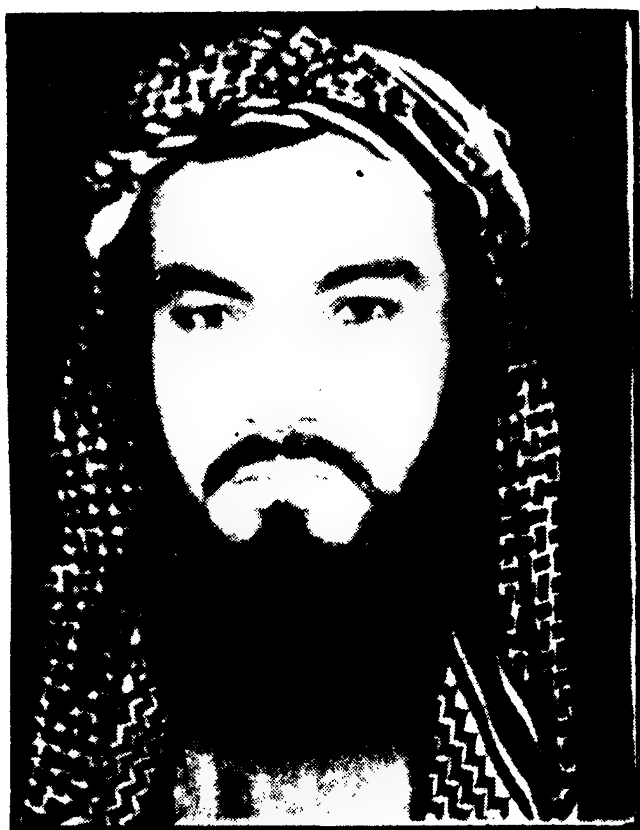
اتحاد، اتحاد جهاد باید کنیم
ملت عقیده را دلشاد باید کنیم
وحدت تان مبارک
همت تان مبارک
ما عاشق سنگریم
ماکه‌دوی پیکریم
وحدت سرتاسری
اخوت و برادری
این است شعار ملت

با نعره های پرشور تکبیر در فضا طنین افگنده و سردشت و دره پیچیده بود ، به محل اجتماع رسیدیم . پس از تلاوت آیات متبرکه قرآنی توسط قاری صلاح الدیـن



میثاق خون

مصاحبه


برادر مجاهد سیف الله قوماندان عمومی جهاد ولایت سمنگان

سنگردار مشهور قوماندان سیف الله فرمانده نیرو های جهادی ولایت سمنگان که غرض اشتراک درگردهمآئی فرماندهان جهادی در ولسوالی ساغر به ولایت غورات رفته بود ، بعد از ختم گردهمآئی موصوف غرض دیدار بازعامت جهاد ورفع پارهٔ مشکلات به پشاور آمد .

کار کنان مجله .میثاق خون به اغتنام فرصت گفت و شنودی را با ایشان ترتیب دادند که متن آن به خوانندگان ارجمند پیشکش می شود .

سوال ـ آیا گردهمائی فرماندهان جهاد در ولایت غورات برای بهتر شدن امور جهاد مفید تمام خواهد شد ؟

جواب ـ بلی گردهمائی سران جهاد در ولایت غور برای بهتر ساختن جهاد سازنده بود در گردهمائی اولاً چیزیکه مطرح شد مسئله اتحاد و همبستگی میان مجاهدین

بود که این خود انشاءالله پیروزی جهاد را ضامن است واز این راه فکر میشود اتحاد واقعی بمیان آید زیرا همه برادران یک صداطرفدار همبستگی هستند ودرجلسه راجع بارتباط میان جبهات تصامیمی گرفته شد که اگر عملی شود جبهات باهم مرتبط و اگر خواسته باشند جنگ را علیه روس در یک وقت وسعت داده میتوانند.

سوال ـ شما در جریان سفر تان از جبهات ولایت مختلف دیدن کرده اید وضع جهاد را در هر ولایت چگونه بررسی می کنید ؟

جواب ـ بلی در جریان سفر ما از ولایات بلخ و جوزجان غور و هرات دیدن کردیم الحمدلله جهاد در هر ولایت بروی حساب نظم ودسپلین مخصوص هرجبهه وضع بهتر داشت البته فرق و امتیاز یکی ازدیگری بحساب تعداد سلاح و مهمات بمشاهده میرسد باین حساب وضع جهاد در ولایت بلخ خیلی خوب و اما در ولایت هرات

امید وار کنند ، و از هر حیث نسبت به دیگر جاها برتری داشت. نظم و مقاومت و پشت کار مجاهدین هرات خیلی قابل وصف است در آنجا کار زیاد شده و مسایل مالی و صحی و ارشاد و تبلیغ و فرهنگی همه و همه خیلی منظم و اسلامی اداره میشود.

صدای آریانا

ARIANA VOICE

NEWS PROMOTION BUREAU

سال دوم شماره بیست و نهم ۱۰ سنبله ۱۳۶۶ هـ.ش. اول سپتامبر

گردهم آیی به غرض وحدت سرتاسری

اجتماع بزرگی که در طول هشت سال سابقه نداشت بنا به دعوت آمر عمومی حوزه جنوب غرب جگتورن محمد اسمعیل در ولسوالی ساغر ولایت غورات برگزار گردید که به بیست سرطان ۱۳۶۶ شروع و تا اول اسد ۱۳۶۶ ادامه داشت.

تعداد قوماندانان، آمرین جهاد بدون تبعیض به تعداد یکهزار و دوصد (۱۲۰۰) نفر اشتراک داشتند.

اشتراک کنندگان از نقاط مختلف کشور از قبیل ولایات فاریاب، لوگر، کندهار، هلمند، فراه، بادغیس، هرات، وردک کابل و ارزگان حضور بهم رسانده بودند.

برادران سلحشور اتحاد کنید

برادرانه برای خدا جهاد کنید
همیشه یک دل ویک رنگ متحدباشد
حذر زکینه ودورنگی وعناد کنید
تضاد را نپذیرد شریعت اسلام
مجاز نیست که بایکدیگرتضاد کنید
برادران سلحشوراتحاد کنید
برادرانه برای خدا جهاد کنید
نفاق وتفرقه اسباب نامرادی هاست
چه خوش بودکه دیگرکارِبرمراد کنید
برادران سلحشور اتحاد کنید
برادرانه برای خدا جهاد کنید



بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

الحمدالله وکفی وسلام علی عبادی الذین الصطفی ، حمدوثناء بیکران مرذات واجب الوجودی است که پرورش دهنده عالمیان است وصلوات وسلام به ناجئ بشریت سید نبیا محمد (ص) پیامبربزرگوار را سلام وآل مطهرش باد . .

فقط نام آنهائی درتاریخ جاودانه می ماندکه هدف بزرگ دارندوبرای رسیدن به این هدف جان میدهند . بزرگی هدف مربوط است به نیت انسان، هرقدرنیت انسان، هر قدر نیت پاک باشد ، اراده برای رسیدن به آن نیرومنداست نیت رحمانی همیشه دربرابرهوس شیطانی قرارمی گیرد ، این دودرجدال است تاآنکه نیکی بربدی پیروزآید ، حق برباطل چیره گرددوانسان بادنبال چنان مبارزه نام نیکویابدخود کارنامهٔ خودرازیب تاریخ کندوسرمشق رهروان فضیلت و نیکی گردد . .

ده سال می شودموج قیام مردم ما ازکناررودهای پر شور ، ازدامنه های مردخیزوازکوهپایه های پرغرورمیهن بر خاست . مردمان مؤمن وآزادهٔ ماازکرانه های هریرود و هلمند ، ازدشتهای بادغیس وشیندند ، ازوادی های کابل و زابل ازجاده های بلخ وغزنی، ازکوهپایه های غزنه وبامیان ازسرسبزیهای روح وکندهارازدامنه های پرغرورپامیر تا سلیمان همه برخاستند ، موج شدند ، طوفان شدندوبرای روفتن طرحهاورذایل روس وشبکهٔ شیطانی والحادی کمونیزم درافغانستان عزیزوآزاده . .

ده سال پیش درهمین شب وروزمردم هرات باستان همه



وحدت سنگر

۱۲۰۰ فرمانده

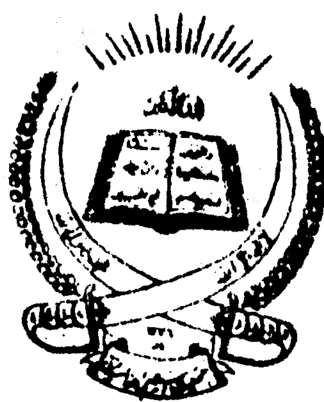
اجتماع بزرگ ساغر

وحدت ننگر

۱۲۰۰ فرمانده

اجتماع بزرگ ساغر





اسم کتاب : وحدت سنگر (۱۲۰۰) فرمانده‌در اجتماع بزرگ
ساغر
مطالب : متن سخنرانی های عده‌ای ازفرماندهان جهادی کشور
ناشر و ترتیب کننده :
اداره‌جریده‌ندای سنگر ارگان نشراتی نمایندگی
ولایات حوزه‌جنوب غرب
. بخش فرهنگی ، پشاور۔ پاکستان
تیراژ: پنجهزار جلد
تاریخ چاپ : چاپ اول سرطان (۱۳۶۷ هـ ش)

بسم الله الرحمن الرحيم


بسم الله الرحمن الرحيم
لا اله الا الله محمد رسول الله



برادرمجاهدوقهرمان امیرعمومی حوزه جنوب
غرب جکتورن محمداسمعیل :